

گزینۀ «۳»

شب چراغ و چشم‌های من خسته: جمال میرصادقی
حق‌الیقین و گلشن‌راز: شیخ‌محمود شبستری
سفر در مه و خانه‌ام ابری است: تقی پورنامداریان
لمعات و عشاق‌نامه: فخرالدین عراقی است

(ادبیات فارسی (۳)، بخش اعلام)

گزینۀ «۳»

چهارمقاله: تعلیم و تربیت / اسرارالتوحید: شرح حال / سفیر سیمرغ:
سفرنامه / مرصادالعباد، عرفان

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

گزینۀ «۲»

بیت «ب»: لف و نشر

«سودای نیاز من، پیدا و ناز تو، نهان است.»

لف ۱ نشر ۱ لف ۲ نشر ۲

بیت «د»: حسن تعلیل دارد و شاعر علت این که روی معشوق خود را به
همه نشان می‌دهد، در این دانسته که معشوق قلبی حاجات اوست.

بیت «ج»: ایهام ← روان: جاری، روح و جان

بیت «الف»: تشبیه مرجع: ترجیح لب خندان یار بر غنچه

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

گزینۀ «۱»

چو گل: تشبیه

این باغ: استعاره و مجاز با علاقه‌ی شباهت از دنیا و یا مکانی خاص

راه به جایی بردن: کنایه از به مقصد رسیدن و دستیابی به هدفی

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

گزینۀ «۳»

بیت «ه»: در این بیت، مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول
است و می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن دو علامت =
گذاشت، بنابراین بیت دارای اسلوب معادله است.

بیت «ج»: استعاره: این صدف: لب دیوانه / گوهر یک‌دانه: حرف صدق

بیت «د»: بی‌صدا بودن آب عمر و آواز به گوش رسیدن از آن، پارادوکس
است.

بیت «الف»: دانه‌ی خال: تشبیه بلیغ اضافی

بیت «ب»: دیوان (به‌معنای کتاب شعر) و دیوان (به‌معنای دیوها ≠ پریان):

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

جناس تام

گزینۀ «۴»

ادبیات پایداری چهره‌ی انسانی عامی دارد: سه‌جزیی گذرا به مفعول
در هیچ قالب ملی یا چارچوب اجتماعی خاص نمی‌گنجد: سه‌جزیی گذرا
به متمم

شعر و داستان مقاومت، مرزهای قومی را می‌شکافد: سه‌جزیی گذرا به
مفعول

مخاطب آن ژرفای وجدان عام بشری است: سه‌جزیی گذرا به مسند

ادبیات عمومی - کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: زهرا تقی‌زاده

گزینۀ «۴»

شعشه: پراکنده شدن نور / سماط: سفره / مصف: میدان جنگ، محل صف
بستن / معهود: عهده‌شده، شناخته شده، معمول / خدعه: مکیدت، مکر /
موحش: ترسناک، وحشت‌آور
توضیح نکته‌ی درسی:

«مصاف» جمع «مصف» به‌معنای «میدان‌های جنگ» است.

(ادبیات فارسی (۲)، فهرست واژگان، صفحه‌ی ۶۶)

گزینۀ «۲»

بحل کردن: حلال کردن / هیون: اسب و شتر بزرگ / صولت: شدت و
تندی

توضیح نکته‌ی درسی:

هلیدن: رها کردن؛ بهل: بگذار، رها کن

(ادبیات فارسی (۳) و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

گزینۀ «۴»

هم‌سنگ: برابر

سایر واژگان درست معنا شده‌اند.

(ادبیات فارسی (۳) و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

گزینۀ «۱»

ظلال ← درست ← ضلال (گمراهی).

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۹)

گزینۀ «۱»

ذلت ← درست ← زلت (گناه و لغزش)

توضیح نکته‌ی درسی:

«ذلت» به‌معنای «خواری» است.

(زبان فارسی (۳)، صفحه‌ی ۳۹)

گزینۀ «۳»

محمّدحسن‌خان صنّیع‌الدّوله معروف به اعتمادالسّلطنه است؛ وی دارای
تألیفات متعدّدی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به «مرآة‌البلدان، مطلع
الشمس، خیرات‌الحسان، المآثر و الآثار و منتظم ناصری» اشاره کرد.
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: «بیعت با بیداری» اثر طاهره صفارزاده است.

گزینۀ «۱» و «۴»: «تحفة‌الآخوان» اثر کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی،
نویسنده‌ی قرن دهم است.

گزینۀ «۲» و «۴»: «نصاب الصبیان» اثر ابونصر فراهی است.

(ادبیات فارسی (۲)، صفحه‌های ۱۲۷، ۱۵۱ و بخش اعلام)

۲۰. گزینه‌ی «۴»

معنای آیه‌ی ۹ سوره‌ی حشر چنین است: «و آنان را هرچند خود نیازمند باشند، بر خود برمی‌گزینند» که بیت گزینه‌ی «۴» نیز همین مفهوم؛ یعنی «ترجیح دیگران بر خود و ایشار حتی در حالت فقر و نداری» را بیان می‌کند.

(ادبیات فارسی (۲)، صفحه‌ی ۸۹)

۲۱. گزینه‌ی «۱»

در ابیات گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»، اسفندیار به طرق مختلف در حال تحقیر و تمسخر رستم است. اما در بیت این گزینه، واژه یا عبارتی که بر تحقیر و تمسخر دلالت داشته باشد، یافت نمی‌شود.

(ادبیات فارسی (۳)، صفحه‌ی ۱۶)

۲۲. گزینه‌ی «۳»

ابیات این گزینه با هم تناسب ندارند؛ اولی، درباره‌ی «زندگی جاوید یافتن پس از مرگ ظاهری و مادی» و دومی در «نکوهش دورنگی و نفاق» است. تشریح گزینه‌های دیگر:

هر دو بیت گزینه‌ی «۱» درباره‌ی «نگاه داشتن شأن خود و مناعت طبع داشتن» است.

هر دو بیت گزینه‌ی «۲» درباره‌ی «لزوم سخن گفتن برای شناخته شدن جوهر انسان» است.

هر دو بیت گزینه‌ی «۴» در «ذمّ دنیا و توصیه به عدم دلبستگی به آن و نیز تأکید بر مهیا ساختن خود جهت عزیمت به جهان باقی» است.

(ادبیات فارسی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۲۳. گزینه‌ی «۴»

شاعر در بیت مورد سؤال و بیت این گزینه می‌گوید: من در شرایطی قرار داشتم که ناچار از ارتکاب گناه بودم و این را بر من خورده مگیر. یعنی اختیار در دست من نبود و جبر زمانه و شرایط مرا وادار به ارتکاب آن کرد.

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۱۳۴)

۲۴. گزینه‌ی «۲»

در ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» شاعر بر این مفهوم تأکید دارد که «ارزشمندی»، در کثرت و فراوانی (مانند گزینه‌ی «۱») و یا در صرف داشتن یک ویژگی خاص (مثل درخشندگی در بیت گزینه‌ی «۴») نیست بلکه ارزش اصلی، در نیکو بودن، مفید بودن و به قاعده بودن است.

از نظر مفهوم؛ مشابه بیت: «حذر کن ز نادان ده مرده گوی / چو دانا یکی گوی و پرورده گوی»

بیت گزینه‌ی «۲» به تحمل دشواری‌ها برای رسیدن به مقصود اشاره دارد.

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۷۴)

۲۵. گزینه‌ی «۳»

بیت مورد سؤال و بیت این گزینه، هر دو، توانایی چشم در نگرستن و علت بینایی را ناشی و برخاسته از نگرستن به محبوب و نظر در زیبایی‌های آفرینش خداوند دانسته‌اند.

(ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۱۴۹)

(زبان فارسی (۳)، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

۱۳. گزینه‌ی «۱»

منت چه وصف بگویم، تو خود (وصف) در آینه بین: حذف «وصف» به قرینه‌ی لفظی صورت گرفته است. در سایر گزینه‌ها، فعل جملات به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.

(زبان فارسی (۳)، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

۱۴. گزینه‌ی «۳»

روز رویش چو برانداخت نقاب شب زلف

نهاد فعل مفعول

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: خون من و جمله‌ی عالم: مفعول مقدم

گزینه‌ی «۲»: جان: مفعول مقدم

گزینه‌ی «۴»: درد دل دوستان: مفعول مقدم

(زبان فارسی (۳)، صفحه‌ی ۱۱۹)

۱۵. گزینه‌ی «۲»

مشتق: نویسنده، شورشی، همسر، بیانگر، واقعیت، اجتماعی، هنرمندانه (۷) مرکب: دستگیر (یک)

مشتق - مرکب: عدالت‌خواهی، خودکامه، گیرودار (۳)

(زبان فارسی (۳)، صفحه‌ی ۷۵)

۱۶. گزینه‌ی «۴»

«را» در این گزینه نشانه‌ی مفعول است. (نفس رعنا چو سرکش ستور، دوان «تو را» تا به سر شیب گور می‌برد.)

ولی در سایر گزینه‌ها، «را» علامت فک اضافه (مضاف‌الیه) است.

یکی را اجل: اجل یکی

طمع را دهان: دهان طمع

اولوالعزم را تن: تن اولوالعزم

(زبان فارسی (۳)، صفحه‌های ۱۸۵ و ۱۸۶)

۱۷. گزینه‌ی «۳»

مفهوم بیت گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» این است که انسان عاشق، عاقل نیست و گوش شنوایی برای نصیحت شنیدن و دست‌کشیدن از معشوق ندارد. درحالی‌که بیت گزینه‌ی «۳»، شنیدن نصایح و عمل کردن به آن‌ها را عامل پیروزی و سعادت می‌داند.

(ادبیات فارسی (۳)، ترکیبی)

۱۸. گزینه‌ی «۲»

بیت گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»، به این مفهوم اشاره دارند که کسی که شأن و منزلت بالایی دارد، حتی اگر در جای پستی قرار بگیرد، از شأن و منزلتش کاسته نمی‌شود و بالعکس.

(ادبیات فارسی (۲)، صفحه‌ی ۱۷۵)

۱۹. گزینه‌ی «۱»

ابیات گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»، اشاره به «ازلی بودن» عشق عاشق نسبت به محبوب خویش دارند. درحالی‌که بیت گزینه‌ی «۱» می‌گوید: عاشق از همه‌ی عالم بی‌خبر است و تنها به معشوق خویش توجه دارد.

(ادبیات فارسی (۳)، ترکیبی)



گزینه‌ی «۱»

۳۱

بیت فارسی می‌گوید: فردی که در اصل گداست، حتی اگر در ظاهر محترم گردد، باز هم گدایی بیش نیست، لذا مفهوم بیت فارسی چنین است: «اصل و ذات هر چیز مهم و تغییرناپذیر است». این مفهوم در گزینه‌ی «۱» نیز دیده می‌شود که می‌گوید: «از کوزه همان برون تراود که در اوست!»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «دشمن با مهربانی کردن، دوست نمی‌شود!» با بیت سؤال ارتباطی ندارد.

گزینه‌ی «۳»: «سخن‌چینان بر زلالی دوستی‌شان پرواز کردند» با بیت سؤال ارتباطی ندارد.

گزینه‌ی «۴»: «هر کس دریا را بخواهد، آبگیرها را کوچک می‌شمارد» با بیت سوال ارتباطی ندارد.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۴»

۳۲

او تاکنون: «إِنَّهُ حَتَّى الْآنَ» / دوازده کتاب چاپ کرده است: «قد طبع إثني عشر كتاباً» («إثني عشر» مفعول به و جزء اول آن، منصوب با اعراب فرعی یاء است. / کتاب پنجم او را: «كتابہ الخامس» / در کتاب‌خانه: «فی المكتبة» / دیدم: «شاهدت» / و برای مدت هفت روز: «لمدة سبعة أيام» / به امانت گرفتم: «إستعرتُهُ»

توضیح نکته‌ی درسی:

اعداد ترتیبی فارسی (مانند پنجم)، در عربی بر وزن «فَاعِل» (مانند «خامس») ساخته می‌شوند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «طُبِعَت» فعل مجهول است به معنای «چاپ شده است». معدود «إثنتا عشرة» به صورت جمع (کتاب) آمده که نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «خمسة كتب» تعریب صحیح «کتاب پنجم» نیست. هم‌چنین «کان» قد طبع معادل ماضی بعید فارسی (چاپ کرده بود) است. «اليوم السابع» نیز به معنای «روز هفتم» است.

گزینه‌ی «۳»: معدود «إثنتي عشرة» به صورت جمع آمده که نادرست است. هم‌چنین ضمیر «او» در عبارت این گزینه تعریب نشده است. معدود «سبعة» نیز به صورت منصوب (أَيَّاماً) آمده که نادرست است؛ زیرا معدود اعداد «۳ تا ۱۰» به صورت جمع و مجرور می‌آید.

(عربی (۲)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۴»

۳۳

در عبارت این گزینه، «كُنَّا نَتَعَلَّم» تعریب نادرستی است؛ زیرا به معنی «می‌آموختیم» است.

توضیح نکته‌ی درسی:

«کان + فعل مضارع»: ماضی استمراری فارسی

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۱۳۴)

عربی عمومی - کنکور سراسری ۹۱



نکارش پاسخ: عمادالدین صالحیان

گزینه‌ی «۱»

۲۶

«لنحارب»: باید بجنگیم / «الأفكار السيئة والمزعجة»: افکار بد و ناراحت کننده / «دائماً»: پیوسته / «حتي تبسّم»: تا لبخند بزند / «لنا»: به ما / «الحياة»: زندگی

توضیح نکته‌ی درسی:

«ل + فعل مضارع غایب یا متکلم» در اول جمله = باید + مضارع التزامی فارسی

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۸۷)

گزینه‌ی «۲»

۲۷

«الصورة الحسنة»: صورت زیبا، روی زیبا / «لا دوام لها»: هیچ دوامی ندارد / «فكن ذا سيرة حسنة»: پس نیکوسیرت باش / «ليذكرک»: تا یاد کنند / «بالخير» به نیکی / «فی المستقبل»: در آینده

توضیح نکته‌ی درسی:

«لا» ی نفی جنس به صورت «هیچ ... نیست (ندارد)» ترجمه می‌شود.

«ل + فعل مضارع» در وسط جمله (مضارع منصوب) = مضارع التزامی فارسی

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۱۵۸)

گزینه‌ی «۳»

۲۸

«على البخيل أن لا نشتكى»: انسان بخیل نباید شکایت کند / «حياته المحقرة»: زندگی حقیرانه‌ی خود / «لأنه»: زیرا او / «قد إنتخبها»: آن را انتخاب کرده است

توضیح نکته‌ی درسی:

اگر در اول جمله، جار و مجرور و پس از آن، فعل منفی بیاید، به صورت «نباید + فعل مثبت» ترجمه می‌شود.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۲»

۲۹

«وجدت»: یافتم / «مقالات المجلات الطيبة»: مقالات مجلات پزشکی / «قد كُتبت»: نوشته شده است (ماضی مجهول) / «عوامل»: عواملی / «تسكن»: آرام می‌کند / «آلام المفاصل»: دردهای مفاصل

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۱»

۳۰

دو مورد نادرست در ترجمه‌ی عبارت این گزینه دیده می‌شود:

«لا يستطيع»: «نتوانسته است»: ترجمه‌ی صحیح آن: «نمی‌تواند» / «أن يصرع الحق»: «با حق درگیر شود»: ترجمه‌ی صحیح آن: «حق را بر زمین زند»

ترجمه‌ی صحیح عبارت: «باطل هرگز نمی‌تواند در میدان، حق را بر زمین زند.»

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۱۳۶)

گزینه‌ی «۲»

هنگامی که پایه و صیاغ زبان تغییر کند، پس «متن‌های آن (زبان) که بر آن اساس نوشته شده‌اند، فهمیده نمی‌شوند»، بر پایه‌ی متن، درست است. تشریح گزینه‌های دیگر: گزینه‌ی «۱»: «... باعث زنده شدن واژه‌های نو و نابودی واژه‌های کهنه می‌شود»، بر پایه‌ی متن، نادرست است. گزینه‌ی «۳»: «... خواننده‌ی آن مجبور می‌شود که برای فهمیدن اسلوب‌های کهنه هرگز تلاش نکند!»، بر پایه‌ی متن، نادرست است. گزینه‌ی «۴»: «... باعث می‌شود که صاحبان زبان میراث و فرهنگشان را درک کنند.» بر پایه‌ی متن، نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۳»

هدف از «ژرفا بخشیدن آموخته‌های زبانی گذشته» چیست؟ لزوم نیاز مراجعه به کتب دستور زبان پیشینیان و فهمیدن و به‌کار بردن آن‌ها. تشریح گزینه‌های دیگر: گزینه‌ی «۱»: «کامل کردن تلاش‌های دانشوران زبان و آموخته‌هایشان در زمینه‌های زبانی» بر پایه‌ی متن، نادرست است. گزینه‌ی «۲»: «گسترش دایره‌ی آموخته‌های زبانی که از دانشوران پیشین به ما می‌رسد» بر پایه‌ی متن، نادرست است. گزینه‌ی «۴»: «به‌دست آوردن توانایی‌های لازم برای کوشش جهت فهمیدن تلاش‌های انجام شده در زمینه‌های تاریخی» بر پایه‌ی متن، نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۴»

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت چنین است: «... صِیَاغَةُ عِبَارَاتِهَا لَمْ تَتَغَيَّرْ... فَمَا تَقْرَأُ فِي عَصْرِنَا الْحَالِيَّ هُوَ الَّذِي كَانَ يُسْتَعْمَدُ قَبْلَ قُرُونٍ.» «صِیَاغَةُ» معطوف به اسم «أَنْ» و منصوب به تبعیت از آن / «عِبَارَاتُ»: مضاف‌الیه و مجرور / «تَتَغَيَّرُ»: فعل مضارع مجزوم با سکون / «تَقْرَأُ»: فعل مضارع مرفوع / «عَصْرُ»: مجرور به حرف جر / «الْحَالِيَّ»: صفت برای «عَصْرُ» و مجرور به تبعیت از آن / «يُسْتَعْمَدُ»: فعل مضارع مجهول / «قَبْلَ»: مفعول‌فیه و منصوب / «قُرُونٍ»: مضاف‌الیه و مجرور توضیح:

با توجه به این‌که عبارت «صِیَاغَةُ عِبَارَاتِهَا...» از وسط یکی از جملات متن، انتخاب و در سؤال تشکیل آورده شده است، لذا اگرچه «صِیَاغَةُ» در ابتدای جمله واقع شده و به ظاهر مبتدا و مرفوع است اما با توجه به جمله‌ی اصلی در متن، این کلمه معطوف به اسم «أَنْ» و منصوب به تبعیت از آن است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۱»

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت چنین است: «هناك سَلْبِيَّاتٌ وِإِجَابِيَّاتٌ لِبُرُوزِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ فَمِنْ جَمَلَةِ سَلْبِيَّاتِهَا عَدَمُ تَأَثُّرِهَا...» «سَلْبِيَّاتٌ»: مبتدای مؤخر و مرفوع / «إِجَابِيَّاتٌ»: معطوف و مرفوع به تبعیت از معطوف منه (سَلْبِيَّاتٌ) / «لِبُرُوزِ»: جار و مجرور / «هَذِهِ»: مضاف‌الیه و مجرور محلاً / «الظَّاهِرَةِ»: صفت و مجرور به تبعیت / «جَمَلَةُ»: مجرور به حرف جرّ «مِنْ»؛ «مِنْ جَمَلَةِ»: خبر مقدم از نوع شبه جمله / «سَلْبِيَّاتٌ»: مضاف‌الیه و مجرور / «عَدَمُ»: مبتدای مؤخر و مرفوع / «تَأَثُّرٌ»: مضاف‌الیه و مجرور

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۶

ترجمه‌ی متن:

زبان عربی، زبانی است که با برخی ویژگی‌های خاص متمایز می‌شود؛ از جمله که اسلوب‌های سخنش و صیاغ عبارت‌هایش با گذر سال‌ها و سده‌ها، دگرگون نشده است. پس آنچه که در دوران کنونی مان می‌خوانیم همان چیزی است که در سده‌های پیش به‌کار می‌رفت و این امر را به‌ندرت در زبان‌های دیگر می‌یابیم و یگانه دلیل پیدایش این پدیده همانا فرو فرستاده شدن قرآن کریم به این زبان است. بدیهی است که این، بدان معنا نیست که واژگان تغییر نمی‌کنند بلکه آن‌ها می‌آیند و می‌روند و بزرگ می‌شوند و می‌میرند و زاده می‌شوند و زنده می‌شوند؛ ولی پایه‌ی جمله و کیفیت صیاغ آن از دگرگونی‌ها در امان است. برای پیدایش این پدیده، (نکاتی) سلبی و ایجابی وجود دارد، از جمله (نکات) سلبی آن، تأثیر نپذیرفتن آن (زبان عربی) از زبان‌های دیگر در صیاغ جمله و سازگار شدن با زمان است. ولی از ویژگی‌های خوب آن، مانایی و ساختارش است، از هنگامی که به‌وجود آمده است. پس نمی‌میرد بلکه رخنه می‌کند و در یاد گوینده‌ی به این زبان، می‌ماند! پس بر این اساس یاددهندگان متن‌های ادبی این زبان باید در ژرفا بخشیدن به آموخته‌های زبانی‌شان، از طریق خواندن کتاب‌های ادبی پیشینیان، تلاش کنند.

گزینه‌ی «۳»

این گزینه می‌گوید: «خواننده‌ی امروزی می‌تواند آنچه را بیش از هزار سال پیش به (زبان) عربی نوشته شده است، بدون احساس مشکل خاصی، بفهمد» که این مطلب با مضمون متن که بیانگر عدم تغییر اسالیب جمله در زبان عربی است، هم‌مفهوم است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «هنگامی که می‌خواهیم آنچه را که قرن‌ها پیش به (زبان) انگلیسی نوشته شده است، بخوانیم و بفهمیم، دشواری خاصی را احساس نمی‌کنیم» که این مطلب، بر پایه‌ی متن و با توجه به تأکید متن بر تغییر قواعد سایر زبان‌ها (به‌جز زبان عربی)، نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «موضوع دگرگونی دستور زبان و کیفیت صیاغ اسلوب‌های جمله، امری همیشگی و جاری در همه‌ی زبان‌های جهان است» بر پایه‌ی متن که زبان عربی را استثنا نموده است، نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «همان‌گونه که واژه‌ها می‌میرند و زنده می‌شوند، صیاغ جمله‌ها نیز چنین است و این قانون عمومی است که هیچ زبانی از آن خارج (مستثنی) نشده است»، بر پایه‌ی متن که زبان عربی را به‌دلیل عدم تغییر و دگرگونی، استثنایی بر این قاعده به‌شمار آورده، نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۲»

براساس متن، یگانه سبب عدم تغییر اساس زبان عربی، نزول قرآن کریم به این زبان است.

به همین دلیل، عرب‌زبانان در زمان حاضر نیز به‌سادگی قادر به فهم مطالب قرآن هستند.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۹

۳۵

گزینه‌ی «۳» ۴۶

درباره‌ی «لا»ی نفی جنس به ۳ نکته باید دقت کرد:

۱- خبر آن هیچ‌گاه بر اسمش مقدم نمی‌شود. ۲- اسم آن نکره است. (ال و مضاف الیه نمی‌پذیرد). ۳- اسم آن مبنی بر فتح است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: خبر «لا» (هناک) بر اسم آن (أحد)، مقدم شده؛ پس نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: اسم «لا» (الکتاب) معرفه است؛ پس نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: اسم «لا» (ضیوف) معرفه است؛ پس نادرست است.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۱۵۳)

گزینه‌ی «۴» ۴۷

پرسش از ما جمله‌ی وصفیه می‌خواهد؛ «جمله‌ی وصفیه»، جمله‌ی اسمیه یا فعلیه‌ای است که پس از یک اسم نکره می‌آید و آن اسم نکره را توصیف می‌کند. در این گزینه، «خفلة» اسم نکره و جمله‌ی فعلیه «لن أنساها» جمله‌ای است که آن را توصیف می‌کند.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۱۷۴)

گزینه‌ی «۳» ۴۸

مصدرهای منصوب نظیر: حقاً، جداً، حمداً و ... هرگاه در جمله نقش اصلی دیگری نداشته باشند، مفعول مطلق و منصوب هستند. در این گزینه، «حقاً» مفعول مطلق و منصوب است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «كلاماً» خبر «كان» و منصوب، «نافعاً» صفت و منصوب و «دائماً» مفعول فیه و منصوب است.

گزینه‌ی «۲»: «حقاً» در این‌جا مفعول‌به برای فعل «یطالب» است.

گزینه‌ی «۴»: «صبراً» مفعول‌به دوم برای فعل «یهب» و «جسیلاً» صفت و منصوب است.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۷۷)

گزینه‌ی «۴» ۴۹

در این گزینه، حال وجود ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «منتظرین» حال مفرد و منصوب و صاحب آن، ضمیر «نا» است.

گزینه‌ی «۲»: «مستعجلین» حال مفرد و منصوب و صاحب آن، «المسافرون» است.

گزینه‌ی «۳»: «و هم يرجون ...» جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب و صاحب آن، «الشباب» است.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵)

گزینه‌ی «۱» ۵۰

در سه گزینه‌ی دیگر مستثنای مفرغ به‌کار رفته است، زیرا در این گزینه‌ها، عبارات بعد از «إلّا» بدون در نظر گرفتن «إلّا» از اجزای اصلی جمله به‌شمار می‌روند. ولی گزینه‌ی «۱» مستثنا، تام است زیرا مستثنی‌منه در جمله حضور دارد. («وعاء» اول مستثنی‌منه است).

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۳۸ و ۱۴۰)

گزینه‌ی «۲» ۴۰

«تَمَيَّزُ»: فعل مضارع - للغائبه - مزید ثلاثی من باب «تَفَعَّلَ» - معرب - مبنی للمعلوم - معتلّ و أجوف / فعل و فاعله ضمیر «هی» المستتر و الجملة فعلیّة و نعت و مرفوع محلاً بالتَّبَعیّة من المنعوت «لغة»

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۴» ۴۱

«نجد»: فعل مضارع - متکلم مع الغیر - مجرد ثلاثی - متعدّد - مبنی للمعلوم - معرب - معتلّ و مثال / فعل مرفوع و فاعله ضمیر «نحن» المستتر

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۱» ۴۲

«متعلّی»: اسم - جمع سالم - مذكر - مشتق و اسم فاعل (مصدر: تعلّم) - معرفّ - بالإضافة - معرب - منصرف - صحیح الآخر / مجرور بحرف جر با اعراب فرعی «باء» (حذف «ن» آخر آن به‌خاطر اضافه شدن است).

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

گزینه‌ی «۴» ۴۳

«لاتنسی» در اصل «لاتنسين» (للمخاطبة) بوده که با «ن» اعراب مجزوم شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «لنستفید» نادرست است؛ «لنستفد» درست است.

گزینه‌ی «۲»: «لم يدعو» نادرست است؛ «لم يدع» درست است.

گزینه‌ی «۳»: «لم يمشوا» نادرست است؛ «لم يمشوا» درست است.

در هر سه گزینه‌ی بالا حرف عله باید حذف شود.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۴۲، ۵۲، ۵۳ و ۵۵)

گزینه‌ی «۱» ۴۴

در این گزینه «منح» فعل مجهول است، بنابراین «صديق» نائب فاعل است. یکی از بهترین راه‌ها برای یافتن فعل مجهول، ترجمه‌ی جمله است. ترجمه‌ی این گزینه: «جایزه‌ای به دوستم داده شد چراکه دانش‌آموز نمونه‌ای است.»

در سایر گزینه‌ها، «صديق» به‌ترتیب فاعل، مفعول‌به و اسم افعال ناقصه است.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۹۲ و ۹۴)

گزینه‌ی «۴» ۴۵

«لونها كلون العسل» خبر از نوع جمله‌ی اسمیه است برای فعل «كانت». ترجمه‌ی این عبارت: «شن‌ها در صحرا هنگام برآمدن خورشید، رنگشان مانند رنگ عسل است.»

توضیح نکته‌ی درسی:

خبر، کلمه یا عبارتی است که با آن، معنای جمله کامل می‌شود.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۱۸ و ۱۵۳)

دین و زندگی

سراسری انسانی ۹۱

تهیه و تنظیم: کیومرث نصیری

۵۱- گزینۀ ۱»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۱، صفحہ ۱۱)
(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۲، درس ۱، صفحہ ۵)
بنابر آیه ۱۹۱ سوره آل عمران «... و یتفکرون فی خلق السَّمَاوَاتِ و الارض ربَّنَا ما خلقت هذا باطلاً...»، عبارت قرآنی «ربَّنَا ما خلقت هذا باطلاً» سخن خردمندان و نتیجه و بازتاب تفکر آنان در نظام

آفرینش است که غایت‌مندی دنیا و حکمت خداوندی را بیان می‌کند.
گزینۀ ۲» (دین و زندگی ۲، درس‌های ۳ و ۴، صفحہ‌های ۳۱، ۳۵، ۳۷ و ۳۸)
بیت مذکور بیانگر وجود سرشت خدا آشنا به عنوان ودیعہ‌ای الهی در وجود انسان است و تعبیری شاعرانه از آیه «و نحن اقرب الیه من حبل الوريد» و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم» است؛ اگر هر انسانی به این موضوع دقت کند، همواره احساس می‌کند که در پیشگاه خدا حضور دارد و لذا در چنگال گناه اسیر نخواهد شد؛ زیرا گناه در مقابل پروردگار مهربان باعث شرمساری و سرافکندگی خواهد بود. [گفتنی است بیت مذکور با بخش پیش از عبارت مطرح شده در گزینہ‌های ۳ و ۴» در آیه ۵۳ سوره فصلت (سنرہیم ءایاتنا الاقلاق و فی انفسہم) ارتباط دارد ولی به علت ارتباط صریح با عبارت مطرح شده در گزینہ‌های ۱ و ۲» آن را به عنوان جواب انتخاب می‌کنیم. (بیت مطرح‌شده در صورت سؤال از کتاب دین و زندگی ۲، چاپ ۱۳۸۹ به بعد، حذف شده است.)

۵۳-

گزینۀ ۴» (براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۴، صفحہ ۳۸)
کسی که به آخرت ایمان دارد، گناه را چون آتشی می‌بیند که اگر از آن توبه نکند، روزی گریبان او را خواهد گرفت. از دیگر سو، شوق رسیدن به پاداش آخرت سبب رغبت در اطاعت خداوند و مواظبت بر پاکیزگی است. [این مطلب از کتاب دین و زندگی ۲، چاپ ۸۹ به بعد، حذف شده است.]

۵۴-

گزینۀ ۳» (براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۵، صفحہ‌های ۶۰ و ۶۱)
(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۲، درس ۵، صفحہ‌های ۵۰، ۵۱ و ۵۳)
از پیامبر (ص) پرسیدند: باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند. بنابر آیات ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره کہف: «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً...»، زبان‌کارترین مردم در کارها کسانی هستند که الف) تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم شده (الَّذین ضلّ سعیم فی الحیاة الدنیا) ب) آنان می‌پندارند که بهترین عملکرد را دارند (و هم یحسبون انہم یحسنون صنعاً)

۵۵-

گزینۀ ۲» (براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۶، صفحہ ۷۵)
بنابر آیه ۵ سوره قیامت «بل یرید الانسان لیفجر أَمَامَہ» ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فساد کاری کند»، انسان به‌خاطر انجام گناه و فسادکاری در نزد خداوند و رفع موانع گناه به انکار قیامت می‌پردازد و مطابق آیه ۱۲ سوره مطففین «و ما یکذب بہ الا کل معتد اثیم: و جز هر تجاوز پیشہ‌ی گناهکاری آن (قیامت) را به دروغ نمی‌گیرد.» تجاوز و گناهکاری از انگیزہ‌های انکار قیامت عنوان شده‌اند. (این مطلب در کتاب دین و زندگی ۲، چاپ ۸۹ به بعد، به قسمت پیشنهاد منتقل شده است و در نتیجه از حذفیات است.)

۵۶- گزینۀ ۱»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۹، صفحہ‌های ۹۸ و ۹۹)
(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۲، درس ۹، صفحہ ۹۰)
بهشتیان پیوسته با خدا هم‌صحبت‌اند و به «سبحانک اللہم» مترنم‌اند.

(در کتاب دین و زندگی ۲، چاپ ۸۹ به بعد، عبارت عربی مذکور جای خود را به ترجمہ‌ی فارسی آن «خدایا! تو پاک و منزہی!» داده است.)
هر یک از بهشتیان متناسب با اعمالشان در درجہ‌ای از بهشت قرار می‌گیرند. (این مطلب از کتاب دین و زندگی ۲، چاپ ۸۹ به بعد، حذف شده است.)

۵۷- گزینۀ ۱»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۱، صفحہ ۱۱۳)
در آیه ۷۹ سوره نحل «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ» پس بر خدا توکل کن که تو واقعاً بر حق آشکاری»، عبارت قرآنی «انَّک علی الحقِّ المبین» به مفهوم بر حق آشکار بودن پیامبر (ص) (و در کل برای هر توکل‌کننده‌ای) اشاره دارد که علت توکل پیامبر (ص) (و در کل هر متوکلی) به خداوند است. پس کسانی بر خدا توکل می‌کنند که به حقانیت خود و راه خود یقین داشته باشند. (این آیه از کتاب دین و زندگی ۲، چاپ ۸۹ به بعد، حذف شده است.)

۵۸- گزینۀ ۳»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۱۱، صفحہ ۱۲۶)
(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۸، صفحہ ۹۵)
بنابر آیه ۴۷ سوره سبأ «قل ما سألتکم من اجر فہولکم...»، اجر رسالت پیامبر (ص) بر مردم نیست بلکه بر خداوند است (ان اجری الا علی اللہ) چرا که خداوند شاهد و گواه بر همه چیز است (و هو علی کل شیء شہید).

۵۹- گزینۀ ۳»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۱۲، صفحہ ۱۳۲)
(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۲، درس ۱۲، صفحہ ۱۳۲)
حضرت مریم (س) در قرآن کریم از مظاهر عفاف است و با مراجعه به آیات ۱۸ تا ۳۳ سوره مریم می‌توان جلوه‌های عفاف و پاکدامنی وی را دریافت. در این آیات چنین آمده است:
«قالت انی اعوذ بالرحمن ان کنت تقیاً قال انما انا رسول ربک لک غلاماً زکیاً قالت انی یكون لی غلام و لم یمسسنی بشر و لم اک بغیاً... فحملته فانتبذت بہ مکاناً قصیاً فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قیل هذا و کنت نسياً منسیاً» [مریم] گفت: اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم.» گفت: «من فرستاده‌ی پروردگارم توام، برای این‌که به تو پسری پاکیزه ببخشم.» گفت: چگونه مرا پسری باشد با آن‌که دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام؟»... پس [مریم] به او [عیسی] آبستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست. تا درد زایمان، او را به‌سوی تنہی درخت خرما می‌کشاند. گفت: «ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم.»

۶۰- گزینهی «۳»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۱، صفحه‌های ۹)

انسان در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا را می‌گیرد. هنگام احساس نیاز به سرپناه، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود مسکن می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت پاسخ به هر نیاز به‌صورت یک هدف درمی‌آید و فرد برای رسیدن به آن هدف اقدام می‌کند؛ پس نیازها زمینه‌ساز هدف‌ها هستند. (این پرسش از کتاب دین و زندگی ۳، چاپ ۹۰، حذف شده است.)

۶۱- گزینهی «۲»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

هدف خلقت انسان، تقرّب به خداوند است که تقرّب به همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست. برای تشخیص درست این هدف، خداوند دو چراغ راه به وی داده است: عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون که بنابر سخن امام کاظم (ع)، به اولی حجت نهان و به دومی حجت آشکار گفته می‌شوند و وسیله‌ی فهم پیام الهی نیز عقل است.

۶۲- گزینهی «۴»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۲، درس ۳، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۲، درس ۳، صفحه‌ی ۳۷)

انسان سرشتی خداآشنا، خداگرا و خداپرست دارد و خود و جهان را وابسته به خالق می‌یابد که سرچشمه‌ی همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست (سرشت خداآشنا)

انسان زیبایی‌ها و زشتی‌ها و نیکی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کند و از دورویی، ذلت، دون‌همتی و ظلم بیزار است. (گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها)

۶۳- گزینهی «۴» (براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۵، صفحه‌های ۶۸، ۶۹، ۷۴ و ۷۵)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۴، صفحه‌های ۵۲، ۵۵ و ۵۶)

گفتار و رفتار پیامبر (ص) اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان می‌توانند با مراجعه به آن جزئیات احکام را بفهمند و شیوه‌ی عمل کردن به آن را بیاموزند (مرجعیت علمی (تعلیم و تبیین تعالیم دین) [مرجعیت دینی (تعلیم و تبیین تعالیم وحی) در کتاب چاپ ۹۰] پیامبر (ص) مسجد مدینه را که همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد. (ولایت و سرپرستی جامعه برای اجرای قوانین الهی (ولایت ظاهری) [اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری) در کتاب چاپ ۹۰]

پیامبر (ص) واسطه‌ی فیض و رحمت و برکت به مخلوقات و بندگان قرار گرفت (ولایت معنوی)

۶۴- گزینهی «۲»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۶، صفحه‌ی ۸۵)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۵، صفحه‌ی ۶۴)

ام سلمه، همسر رسول خدا (ص)، می‌گوید: «روزی ایشان در اتاق من استراحت می‌کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا (س) وارد شد. پیامبر (ص) ایشان را به کنار خود دعوت کرد. حضرت فاطمه (س) نزد پیامبر (ص) رفت و در کنار ایشان قرار گرفت. پس از وی به ترتیب حضرت علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) آمدند. پیامبر (ص) آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن‌گاه برای آنان دعا کرد و فرمود: «خدا! اینان اهل بیت من‌اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!» در همین زمان فرشته‌ی وحی آمد و آیه‌ی تطهیر نازل شد.

۶۵- گزینهی «۴»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۷، صفحه‌های ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۳)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۷، صفحه‌های ۹۰ و ۹۲)

پیدایش مسائل جدید با گسترش دنیای اسلام (نیاز به وجود مرجع علمی و سیاسی معتبر و قابل اطمینان [این بخش از کتاب دین و زندگی ۳، چاپ ۹۰، حذف شده است])

ورود جاهلیت در لباسی جدید به زندگی اجتماعی مسلمانان (تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای)

رواج یافتن بافته‌های ذهن کعب‌الاحبارها (تحریف در اندیشه‌های اسلامی)

۶۶- گزینهی «۱»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۹، صفحه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۹، صفحه‌ی ۱۱۱)

تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد که باید بدان‌ها توجه کرد؛ برای مثال در جامعه‌ای که گرفتار بی‌عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی برای برقراری عدالت، اگر از همراهی اکثریت برخوردار نباشد، به نتیجه نمی‌رسد. برقراری عدالت به تحول درونی همه یا بیش‌تر افراد نیاز دارد؛ یعنی روح جمعی جامعه باید آماده و پذیرای آن شود. بنابراین اگر اکثریت یک ملت خواستار عدالت نباشد و با ظلم مبارزه نکند، همه‌ی آن‌ها گرفتار حاکمان ظلم و ستمگر خواهند شد و از زندگی در جامعه‌ای با قوانین عادلانه بی‌نصیب خواهند ماند.

۶۷- گزینهی «۱»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۱۰، صفحه‌ی ۱۵۱)

(براساس کنگور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۱۰، صفحه‌ی ۱۳۲)

نگاه مثبت دین به آینده‌ی تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است. انتظار هم یک امر فطری انسانی و هم یک اصل مثبت اجتماعی است. (بخش دوم سؤال از کتاب دین و زندگی ۳، چاپ ۹۰، حذف شده است.)

۶۸- گزینهی «۲»

(براساس کنگور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۱۳، صفحه‌ی ۱۷۴)

هنگامی می‌توان جامعه‌ای را به‌سوی عدالت و آبادانی، فلاح و رستگاری هدایت کرد که مردم آن جامعه، خود قلباً این هدایت را بپذیرد، به‌خاطر آن تلاش کنند و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها از رهبر حمایت کنند و از خودگذشتگی نشان دهند. (این بخش از کتاب دین و زندگی ۳، چاپ ۹۰، حذف شده است.)

۶۹- گزینهی «۳»

(دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس‌های ۱ و ۲، صفحه‌های ۵ و ۱۶)

پس از پذیرش تنها یک مبدأ برای جهان (توحید ذاتی)، می‌گوییم: خداوند برای اداره‌ی جهانی که خود آفریده، نیاز به هیچ‌یک از مخلوقات خود ندارد و به‌عبارتی می‌توان گفت خداوند در اداره‌ی این جهان فعال مایشاء است؛ این موضوع توحید افعالی نامیده می‌شود. پیام آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی فاطر «ان یشاء یذهبکم و یأت بخلق جدید: اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد.» نیز بر همان موضوع فوق یعنی فعال مایشاء بودن (توحید افعالی) اشاره دارد.

۷۰- گزینهی «۱»

(دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۲، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

اگر کسی تصور کند که مخلوقات، در افعال و کارهای خود مستقل از خدا عمل می‌کنند و خداوند برخی از کارهای جهان را به مخلوقات خود واگذار کرده، گرفتار «شرک افعالی» شده است. استفاده از عبارت‌هایی مانند «ان شاء الله»، «اگر خدا کمک کند» و یا «امید به خدا» که نمونه‌ای از آن در عبارت «ان شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله» آمده است، به‌معنای دوری از شرک خفی افعالی و توجه به قدرت و اراده‌ی الهی در همه‌ی امور است.

۷۱- گزینهی «۴» (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس‌های ۲ و ۳، صفحه‌های ۱۵، ۱۶، ۲۶ و ۳۰) «قل هو الله احد» ← «یگانگی خداوند در «ذات» که مبین «توحید ذاتی» است از مفهوم عبارت «الله احد» برداشت می‌شود. «خالق کل شیء» ← در کتاب درسی و در صفحه‌ی ۱۵ ذیل توحید ذاتی چنین آمده است: «او (خداوند) تنها مبدأ و خالق جهان است.» خالقیت خداوند جزئی از توحید افعالی محسوب می‌شود. «عبد ربک» ← چون به موضوع عبادت خداوند اشاره دارد بیانگر توحید عملی (عبادی) است.

۷۲- گزینهی «۲» (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۵، صفحه‌ی ۵۰) توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری از خداوند است. البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند نیز به کار می‌رود که در این صورت، به معنای بازگشت وی از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش است. آیه‌ی شریفه‌ی «فمن تاب من بعد ظلمه (توبه‌ی انسان) و اصلح فان الله يتوب اليه (توبه‌ی خداوند) ان الله غفور رحيم» نیز به همین موضوع اشاره دارد.

۷۳- گزینهی «۴» (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۴، صفحه‌های ۶۸ و ۷۴) عبارات به اجرا درآوردن، به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن به معنای قضا می‌باشند. موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده‌ی الهی حتمیت می‌یابند و ایجاد می‌شوند، مقضی (انجام‌یافته) به قضای الهی هستند و آیه‌ی شریفه‌ی «الله الّذی سخرّ لكم البحر لتجری الفلک فیہ بامره ...» نیز چون به تسخیر دریاها برای انسان اشاره دارد مؤید انجام این کار به قضای الهی است.

۷۴- گزینهی «۳» (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۷، صفحه‌ی ۱۱۴) (براساس لکنور ۹۱، دین و زندگی ۳، درس ۶، صفحه‌ی ۸۰) (براساس لکنور ۹۲، دین و زندگی ۳، درس ۳، صفحه‌ی ۵۰) رسول خدا (ص) صف‌بندی‌های گذشته و جبهه‌گیری‌های مادی پیش از خود را مردود اعلام کرد و فرمود دو جبهه‌ای که واقعاً در مقابل یک‌دیگر قرار دارند، جبهه‌ی حق، جبهه‌ی ولایت الهی و جبهه‌ی باطل جبهه‌ی ولایت طاغوت و شیطان است که این موضوع در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی نساء (... یريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت و قد امرؤ ان يكفروا به یريد الشیطان ان یضلمهم ضلالاً بعيداً) آمده است. در همین راستا قرآن کریم یکی از اهداف رسول خدا (ص) را پیروزی دین حق بر همه‌ی ادیان باطل بیان می‌کند و می‌فرماید: «هو الّذی ارسل رسولہ بالهدی و دین الحق لیظهره علی الذین کله ...»

۷۵- گزینهی «۳» (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۹، صفحه‌ی ۱۵۶) مطابق اندیشه‌ی «لیبرالیزم»، هیچ قانون الهی وجود ندارد که انسان‌ها را در شیوه‌ی زندگی هدایت کند و برای آن‌ها جهت تعیین نماید. این اندیشه زیربنای بیش‌تر نظام‌های سیاسی و قوانین اجتماعی جوامع کنونی غرب است و نخستین پیامد نامیمون آن، افزایش فاصله‌ی میان انسان‌های فقیر و غنی در جهان است.

زبان انگلیسی

سراسری انسانی ۹۱

تهیه و تنظیم: حبیب‌الله سعادت

ویراستار: زهره جوادی

۷۶- گزینه‌ی «۳» (زبان انگلیسی ۳، کاربرد صفات فاعلی و مفعولی، درس ۵)
ترجمه‌ی جمله: «موضوع پیشنهادشده توسط معلم، یک موضوع جالب بود که همه‌ی ما را جذب کرد.»

نکات مهم درسی:

با توجه به این که ضمیر "one" جایگزین اسم "topic" شده است، مفرد و قابل شمارش می‌باشد، بنابراین به "a/an" قبل از آن نیاز داریم. (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱ و ۲»)

صفات فاعلی "ing" + مصدر بدون "to" ایجادکننده‌ی حالت و صفات مفعولی "p.p." پذیرای حالت هستند، با توجه به مفهوم جمله، گزینه‌ی «۳» صحیح است.

۷۷- گزینه‌ی «۱»

(زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۱، کاربرد فعلات پیرو قیدی علت، تئیه و تشریک‌کننده‌ها، درس ۴)

ترجمه‌ی جمله: «من متعجب شدم که بعد از بیماری اخیرش آن‌قدر خوب به‌نظر می‌رسید.»

نکات مهم درسی:

با توجه به الگوی (صفت + so) گزینه‌ی «۱» صحیح است. بعد از "such" و "enough" صفت به کار نمی‌رود. گزینه‌ی «۲» با توجه به مفهوم جمله نادرست است.

۷۸- گزینه‌ی «۴» (زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۲، کاربرد فعل ویهی may، درس ۸)

ترجمه‌ی جمله: «الف: تام به مهمانی نیامد.»

«ب: ممکن است پیغام را دریافت نکرده باشد.»

نکته‌ی مهم درسی:

برای بیان این که احتمال دارد کاری در زمان گذشته انجام نشده باشد، از ساختار "may/might + not + have + p.p." استفاده می‌شود.

۷۹- گزینه‌ی «۲» (زبان انگلیسی ۳، درس ۴)

ترجمه‌ی جمله: «آن‌ها ناراحت بودند، زیرا تمام بازی‌ها را در رقابت باخته بودند.»

(۱) مقایسه

(۲) رقابت

(۳) درگیری، مشارکت

گزینه‌ی «۲» (زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۲، درس ۷)

ترجمه‌ی جمله: «هنگامی که در چین کار می‌کنم، والدینم نامه‌ام را به آن‌جا ارسال خواهند کرد.»

(۱) چسبیدن

(۲) ارسال کردن، فرستادن

(۳) نوشتن، تشکیل یافتن

۸۱- گزینه‌ی «۴» (زبان انگلیسی ۳، درس ۴ و زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۱، Review)

ترجمه‌ی جمله: «اجرای کارش در حد انتظارات کارفرمایش نبود.»

(۱) ویژگی، خصوصیت

(۲) مقدار، میزان

(۳) وضعیت، موقعیت

(۴) انتظار، توقع

۸۲- گزینه‌ی «۱»

(زبان انگلیسی ۳، درس ۴)

ترجمه‌ی جمله: «من اعتقاد دارم که کودکان باید راجع به ایمنی در جاده آموزش ببینند.»

(۱) آموزش دادن، تعلیم دادن

(۲) ارزیابی کردن

(۳) پیش‌بینی کردن

(۴) جلوگیری کردن، ممانعت کردن

گزینه‌ی «۳» (زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۲، درس ۸)

ترجمه‌ی جمله: «هیچ کس مجبور نشده که کمک کند، آن‌ها همگی بر یک اساس داوطلبانه آن‌جا بودند.»

(۱) آگاه

(۲) معمولی، عادی

(۳) داوطلبانه

(۴) ارزشمند

گزینه‌ی «۳»

۸۴- ترجمه‌ی جمله: «به لطف فن‌آوری، اسکی دیگر اساساً یک ورزش زمستانی نیست.»

(۱) به‌طور خلاصه، به‌طور مختصر

(۲) مستقیماً

(۳) اساساً، اصولاً

(۴) به‌طور جدی

گزینه‌ی «۳» (زبان انگلیسی ۳، درس ۴)

ترجمه‌ی جمله: «آن‌چه من برای صبحانه می‌خورم تنها شامل یک تکه نان و مقدار کمی پنیر است.»

(۱) ساخته شدن

(۲) اصرار کردن، پافشاری کردن

(۳) شامل شدن

(۴) همگام بودن

ترجمه‌ی متن Cloze Test:

این مقاله به دو بخش تقسیم می‌شود، که اولین بخش آن مربوط به گاز به‌عنوان حالتی از ماده است و بخش دوم مربوط به گاز به‌عنوان سوخت می‌باشد. به بنزین نیز، مخصوصاً در آمریکای شمالی، به‌عنوان "gas" اشاره می‌شود. بسیاری از گازهای ذکرشده در این مقاله خودشان نیز مقالات جداگانه‌ای دارند.

گزینه‌ی «۴»

(۱) فشار

(۲) حجم

(۳) نیرو

(۴) ماده

گزینه‌ی «۱»

(۱) اشاره کردن، ارجاع دادن

(۲) منظم کردن، نظم دادن

(۳) توصیف کردن، شرح دادن

(۴) مشاهده کردن

گزینه‌ی «۲»

(۱) به‌طور مصنوعی

(۲) مخصوصاً، به‌طور ویژه

(۳) به‌طور قابل‌جایگزین

(۴) بادقت، به‌طور دقیق

گزینه‌ی «۴»

نکات مهم درسی:

در صورتی که جمله‌ی پیرو وصفی در حالت مجهول باشد، می‌توان ضمیر موصولی و فعل "to be" را حذف نمود.

Many of the gases which are mentioned in this ...

mentioned

گزینه‌ی «۱»

(۱) جداگانه، مجزا

(۲) خصوصی

(۳) باستانی، قدیمی

(۴) مستقیم

ترجمه‌ی متن اول:

اولین باری که به "Herault" (هرالت) آمدم، بعد از مسافرت ده ساعته قطار از پاریس به مونت‌پولیه، اتوبوسی به دهکده‌ی قدیمی که دوستم سارا در آن جا خانه‌ای خریده بود، گرفتم. هنگامی که یک‌ونیم ساعت بعد به آن جا رسیدم، علی‌رغم این حقیقت که با یک اتوبوس مدرن به آن جا آمده بودم، این حس را داشتم که ۷۰۰ سال به عقب بازگشته بودم. خانه‌ی سارا از سنگ ساخته شده، چند صد سال قدمت داشته و نوعاً شبیه جایی بود که این‌جا برای فروش به قیمت ارزان گذاشته‌اند. در عمل همانند تمام خانه‌های روستایی، آن به خانه‌های همسایه متصل شده است، بنابراین اگرچه آن روستا کوچک است، به نظر بسیار پرجمعیت می‌رسد، همه نزدیک یک‌دیگر زندگی می‌کنند و همیشه شخصی از پنجره سر بیرون آورده و یا روبه‌روی در نشسته است. داخل (خانه) تاریک و سرد است. هنگامی که سارا خانه را خرید، آن آب لوله‌کشی سرد داشت، برخی از (کاشی‌های) کف از بین رفته بودند و شومینه کار نمی‌کرد.

۹۱- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «چه‌قدر برای نویسنده طول کشید تا به مکانی که خانه‌ی دوستش آن‌جا قرار داشت، برسد؟»
«یازده و نیم ساعت.»

۹۲- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «تمام (موارد) زیر راجع به خانه‌ی سارا صحیح است به‌جز این که آن بیش از ۷۰۰ سال قبل ساخته شده است.»

۹۳- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «از متن می‌توان متوجه شد که افرادی که در آن روستا زندگی می‌کنند احتمالاً نسبت به یک‌دیگر (رفتار) دوستانه‌ای داشتند.»

۹۴- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «از متن می‌توان متوجه شد که زمانی که سارا خانه‌اش را خرید، آن به برخی تعمیرات نیاز داشت.»

۹۵- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «متن به کدام‌یک از سؤالات زیر پاسخ می‌دهد؟»
«آیا نویسنده از مونت‌پولیه به خانه‌ی دوستش پیاده رفت؟»

ترجمه‌ی متن دوم:

ورزش‌هایی از قبیل راه رفتن سریع، دویدن، شنا، دوچرخه‌سواری و قدم زدن تند که به درگیری کل بدن نیاز دارند، به مؤثرترین شکل تناسب را بهبود و حفظ می‌نماید. بازی‌ها و ورزش‌های سازمان‌یافته که در طراحی بازی، دوره‌های استراحت طولانی مدت دارند، تنها تأثیر کمی روی تناسب دارند. برنامه‌هایی که به‌طور خاص طراحی شده‌اند تا به افراد کمک کنند که متناسب شوند در مکان‌های مختلفی از قبیل: مدارس و سالن‌های ورزشی، استودیوها و باشگاه‌های خصوصی و کلینیک‌های مخصوصی که به‌طور حرفه‌ای سازمان‌یافته‌اند تا به افراد با مشکلات قلبی و ریوی توجه نماید، ارائه می‌شوند. شخص باید در انتخاب یک برنامه‌ی ورزشی دقیق باشد و باید اطمینان حاصل نماید که آن مکان مجهز به کارشناسانی در (حوزه‌ی) ترتیب بدنی و پزشکی باشد. افراد عادی سالم می‌توانند برنامه‌های ورزشی خود را طراحی نمایند. قانون کلی این است که تنها تا هنگامی که احساس خستگی زیاد می‌کنید، ورزش نمایید، یعنی تا زمانی که تنفس دشوار گردد، گردش (خون) به‌نظر کافی نباشد یا خستگی روی عملکرد تأثیر بگذارد. افراد با مشکلات سلامتی ناشی از حمله‌های قلبی، سکت‌های مغزی و بیماری، قبل از انتخاب یک برنامه‌ی ورزشی باید با یک پزشک مشاوری کنند.

۹۶- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «طبق اطلاعات در متن، اگر در ورزشی که شما را وادار می‌سازد دوره‌های استراحت طولانی مدت داشته باشید، شرکت نمایید، نمی‌توانید انتظار داشته باشید که تناسب شما خیلی بهبود یابد.»

۹۷- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، اگر یک مشکل قلبی دارید، به شما توصیه می‌شود در مکان‌هایی که فعالیت‌های کلینیکی مناسب برای شما طراحی می‌کند، ورزش نمایید.»

۹۸- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «می‌توان گفت که پاراگراف اول اساساً به‌منظور «توصیه کردن» نوشته شده است.»

۹۹- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «واژه‌ی "labored" در پاراگراف دوم از نظر معنایی به "difficult" «دشوار» نزدیک‌ترین است.»

۱۰۰- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «قانون کلی ارائه‌شده در پاراگراف دوم برای افرادی است که هیچ مشکل سلامتی ندارند.»

$$= \frac{2}{1 - \sin^2 \theta} = \frac{2}{\cos^2 \theta}$$

$$\Rightarrow \text{کل عبارت} = \frac{2}{\cos^2 \theta} - 2 \tan^2 \theta = \frac{2}{\cos^2 \theta} - \frac{2 \sin^2 \theta}{\cos^2 \theta}$$

$$= \frac{2(1 - \sin^2 \theta)}{\cos^2 \theta} = \frac{2 \cos^2 \theta}{\cos^2 \theta} = 2$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۴۰)

گزینه‌ی «۳»

نمره‌ی ادبیات را x فرض می‌کنیم. داریم:

$$\frac{-}{x} = \frac{4x + 2 \times 90 + 3 \times 81 + 8 \times 70}{4 + 2 + 3 + 8} \geq 75$$

$$\Rightarrow \frac{4x + 983}{17} \geq 75 \Rightarrow 4x + 983 \geq 1275$$

$$\Rightarrow 4x \geq 292 \Rightarrow x \geq 73$$

حداقل نمره‌ی ادبیات باید ۷۳ باشد.

(آمار و مدل‌سازی، صفحه‌های ۱۳۰ تا ۱۳۳)

گزینه‌ی «۱»

۶ عدد زیر ناکم‌تر از ۴۰ و کم‌تر از ۴۷ هستند
۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۴، ۴۵
بنابراین درصد داده‌های خواسته شده برابر است با:

$$\frac{6}{25} \times 100 = 24$$

(آمار و مدل‌سازی، صفحه‌های ۹۶ تا ۹۹)

گزینه‌ی «۳»

$$cv = \frac{\sigma}{x} = 0.08 \Rightarrow \sigma = 0.08 \bar{x}$$

اگر در یک سری داده‌ی آماری، به هر داده عدد ۵ اضافه شود انحراف معیار تغییر نمی‌کند، اما به میانگین ۵ واحد اضافه می‌شود. در نتیجه:

$$(cv)' = \frac{\sigma}{x + 5} = 0.075 \Rightarrow \sigma = 0.075 \bar{x} + 0.375$$

$$\Rightarrow 0.08 \bar{x} = 0.075 \bar{x} + 0.375$$

$$\Rightarrow 0.005 \bar{x} = 0.375 \Rightarrow \bar{x} = 75$$

(آمار و مدل‌سازی، صفحه‌های ۱۵۶ تا ۱۵۸)

گزینه‌ی «۱»

$$f(x) = x^2 - 2x + 3 = (x^2 - 2x + 1) + 2 = (x-1)^2 + 2$$

$$f(1 + \sqrt{2}) - f(2) = ((1 + \sqrt{2}) - 1)^2 + 2 - ((2-1)^2 + 2)$$

$$= 4 - 3 = 1$$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۷۳)

گزینه‌ی «۳»

$$2x^2 - 5x = a \Rightarrow 2x^2 - 5x - a = 0$$

$$\Delta = 25 + 8a = 0 \Rightarrow a = -\frac{25}{8}$$

ریاضی-کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: محمد بحیرایی

گزینه‌ی «۱»

$$a = 2k - 5 = 2k - 4 - 1 = 2(k-2) - 1$$

$$\xrightarrow{k'=k-2} a = 2k' - 1 \quad (k' \in \mathbb{Z})$$

هر عدد به صورت $2k' - 1$ به ازای $(k' \in \mathbb{Z})$ فرد است.

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۴۶)

گزینه‌ی «۲»

$$x(2x^2 - 5x + 1) = 2x^3 - 5x^2 + x$$

$$\begin{array}{r|l} 2x^3 - 5x^2 + x & 2x + 1 \\ -(2x^3 + x^2) & \\ \hline -6x^2 + x & \\ -(-6x^2 - 3x) & \\ \hline 4x & \\ -(4x + 2) & \\ \hline -2 & \end{array}$$

$$\Rightarrow \text{مجموع ضرایب خارج قسمت} = 1 - 3 + 2 = 0$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۵۷)

گزینه‌ی «۳»

$$\begin{cases} 2y + x = 5 \\ 3y - 2x = 11 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 4y + 2x = 10 \\ 3y - 2x = 11 \end{cases}$$

$$7y = 21 \Rightarrow y = 3$$

$$\xrightarrow{y=3} 2y + x = 5 \Rightarrow 6 + x = 5 \Rightarrow x = -1$$

$$\begin{bmatrix} -1 \\ 3 \end{bmatrix} \text{ فاصله‌ی مبدأ مختصات تا نقطه‌ی } \sqrt{(-1)^2 + (3)^2} = \sqrt{10}$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۳۳ تا ۱۳۵)

گزینه‌ی «۴»

$$\frac{2}{2 + \sqrt{6}} = \frac{2(2 - \sqrt{6})}{(2 + \sqrt{6})(2 - \sqrt{6})} = \frac{2(2 - \sqrt{6})}{4 - 6}$$

$$= \frac{2(2 - \sqrt{6})}{-2} = \sqrt{6} - 2$$

$$(2\sqrt{3} - 3\sqrt{2})(\sqrt{3} + \sqrt{2}) = 6 + 2\sqrt{6} - 3\sqrt{6} - 6 = -\sqrt{6}$$

$$\Rightarrow \text{کل عبارت} = \sqrt{6} - 2 + (-\sqrt{6}) = -2$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۵۸ تا ۱۶۰)

گزینه‌ی «۴»

$$\left(\frac{1}{1 - \sin \theta} + \frac{1}{1 + \sin \theta} \right) = \frac{1 + \sin \theta + 1 - \sin \theta}{1 - \sin^2 \theta}$$

$$\lim_{n \rightarrow \infty} S_n = \frac{a}{1-r} = \frac{\frac{1}{2}}{1-\frac{1}{3}} = \frac{\frac{1}{2}}{\frac{2}{3}} = \frac{3}{2} = 1.5$$

(ریاضی پایه، صفحه ۱۴۳)

گزینه ۴» ۱۶

$$\log_6(x-5) = 2 - \log_6 x \Rightarrow \log_6(x-5) + \log_6 x = 2 \\ \Rightarrow \log_6(x^2 - 5x) = 2 \Rightarrow x^2 - 5x = 6^2 = 36 \Rightarrow x^2 - 5x - 36 = 0$$

$$\Rightarrow (x+4)(x-9) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x = -4 \text{ ق.ق.} \\ x = 9 \Rightarrow \log_7(x-1) = \log_7 8 = 3 \end{cases}$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۷۵ و ۷۹)

گزینه ۳» ۱۷

$$P_t = P \cdot (1+r)^t$$

$$3/1P = P \cdot (1/0.2)^t \Rightarrow \log 3/1 = \log 1/0.2^t$$

$$\Rightarrow t = \frac{\log 3/1}{\log 1/0.2} = \frac{\log \frac{3}{1}}{\log \frac{1}{0.2}} = \frac{\log 3 - 1}{\log 1 - \log 0.2} = \frac{1/49.2 - 1}{0.086} = 57$$

(ریاضی پایه، صفحه ۹۶)

گزینه ۲» ۱۸

بیشترین مقدار تابع درجه‌ی دوم به ازای $x = -\frac{b}{2a}$ ($a < 0$) رخ می‌دهد

بنابراین:

$$x = \frac{-20}{2a} = \frac{-10}{a}$$

$$\Rightarrow f\left(\frac{-10}{a}\right) = 180 \Rightarrow a\left(-\frac{10}{a}\right)^2 + 20\left(-\frac{10}{a}\right) - 120 = 180$$

$$\Rightarrow \frac{100}{a} - \frac{200}{a} = 300 \Rightarrow -\frac{100}{a} = 300 \Rightarrow a = -\frac{1}{3}$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۸)

گزینه ۲» ۱۹

$$n(S) = 2 \times 2 \times 6 = 24$$

$$A = \{(6, ر, پ) \text{ و } (4, ر, پ) \text{ و } (2, ر, پ) \text{ و } (6, پ, ر) \text{ و } (4, پ, ر) \text{ و } (2, پ, ر) \text{ و } (6, ر, پ) \text{ و } (4, ر, پ) \text{ و } (2, ر, پ)\}$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{6}{24} = \frac{1}{4}$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱۳۳ و ۱۳۹)

گزینه ۴» ۲۰

تعداد تخلفات واقعی $3000 - 18 = 2982$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{2982}{3000} = 0.994$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱)

$$\text{ریشه‌ی مضاعف} = -\frac{-5}{2(2)} = \frac{5}{4}$$

(ریاضی سال سوم، صفحه ۵۹)

گزینه ۲» ۱۱

$$\Delta = 4 + 4 = 8 \Rightarrow x_{1,2} = \frac{-2 \pm \sqrt{8}}{2} = -1 \pm \sqrt{2}$$

$$\Delta = 4 - 1 = 3 \Rightarrow x_{1,2} = \frac{2 \pm \sqrt{3}}{2}$$

ریشه ندارد $\Delta = 4 - 8 = -4$

ریشه ندارد $\Delta = 4 - 16 = -12$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۶۴ و ۶۹)

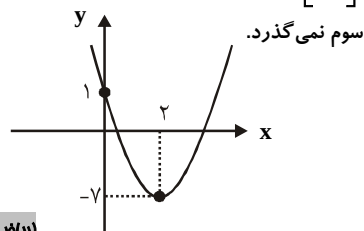
گزینه ۳» ۱۲

$$y = 2x^2 - 8x + 1 \Rightarrow y = 2x^2 - 8x + 8 - 7$$

$$\Rightarrow y = 2(x^2 - 4x + 4) - 7 \Rightarrow y = 2(x-2)^2 - 7$$

نمودار سهمی محور y ها را در نقطه‌ی $\begin{bmatrix} 0 \\ 1 \end{bmatrix}$ قطع می‌کند و رأس آن نقطه‌ی

$\begin{bmatrix} 2 \\ -7 \end{bmatrix}$ است. بنابراین شکل تقریبی آن به صورت زیر است که از ناحیه‌ی



(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۹۱ و ۹۵)

گزینه ۴» ۱۳

جایگاه حرف N مشخص است بنابراین جایگشت‌های ۶ حرف دیگر را حساب می‌کنیم. چون حرف E دوبار تکرار شده بنابراین تعداد جایگشت‌ها را بر ۲ تقسیم می‌کنیم. در نتیجه:

$$\text{تعداد جایگشت‌ها} = \frac{6!}{2} = 360$$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۱۱۶ و ۱۱۷)

گزینه ۲» ۱۴

استدلال استقرایی، روش نتیجه‌گیری براساس یک سری آزمایشات محدود است.

(ریاضی پایه، صفحه ۷)

گزینه ۱» ۱۵

$$\frac{1}{2}, \frac{1}{3}, \frac{2}{9}, \dots \Rightarrow r \text{ قدرنسبت} = \frac{\frac{1}{3}}{\frac{1}{2}} = \frac{2}{3}$$

۱۲۳. گزینه‌ی «۴»

$$\text{ارزش مواد غذایی} = ۵۰۰ \times ۳۰۰۰۰۰۰$$

$$= ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰ \text{ ریال} = ۱۵۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{ارزش ماشین‌آلات} = ۵۰۰ \times ۵۰۰۰۰۰۰$$

$$= ۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰ \text{ ریال} = ۲۵۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$۷۰۰۰۰۰۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۱۵۰۰۰ \text{ ارزش پوشاک}$$

$$= ۷۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{ارزش پوشاک} = \frac{۲}{۳} \text{ ارزش خدمات ارائه شده}$$

$$= \frac{۲}{۳} \times ۷۰۰۰ = ۵۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$۵۰۰۰ + ۷۰۰۰ + ۲۵۰۰۰ + ۱۵۰۰۰ = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$= ۲۷۷۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{ارزش ماشین‌آلات} = \frac{۱}{۲۵} \times \text{هزینه‌ی استهلاک}$$

$$= \frac{۱}{۲۵} \times ۲۵۰۰۰۰ = ۱۰۰۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{هزینه‌ی استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$۲۶۷۰۰۰ = ۲۷۷۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\frac{۲۶۷۰۰۰}{۵۰} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{تولید خالص سرانه}$$

$$= ۵۳۵۰ \text{ میلیون ریال}$$

(آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۱۲۴. گزینه‌ی «۱»

$$\text{تورم در سال دوم (افزایش قیمت‌ها در سال دوم)}$$

$$\text{تولید در سال دوم به قیمت پایه} - \text{تولید در سال دوم به قیمت جاری} =$$

$$۱۷۰۰ - ۱۶۵۰ = ۵۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{تورم در سال سوم (افزایش قیمت‌ها در سال سوم)}$$

$$\text{تولید در سال سوم به قیمت پایه} - \text{تولید در سال سوم به قیمت جاری} =$$

$$۱۸۷۵ - ۱۷۱۰ = ۱۶۵ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{افزایش مقدار تولید در سال دوم}$$

$$\text{تولید در سال پایه} - \text{تولید در سال دوم به قیمت پایه} =$$

$$۱۶۵۰ - ۱۵۰۰ = ۱۵۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{افزایش مقدار تولید در سال سوم}$$

$$\text{تولید در سال پایه} - \text{تولید در سال سوم به قیمت پایه} =$$

$$۱۷۱۰ - ۱۵۰۰ = ۲۱۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم همان اعداد مربوط به پدیده‌ی تورم}$$

در این سال‌هاست که در قسمت اول محاسبه شدند.

(آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

اقتصاد-کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: سارا شریفی

۱۲۱. گزینه‌ی «۱»

اقتصاددانان به دنبال کشف روابط علت و معلولی بین «پدیده‌های اقتصادی عالم واقع»، با جمع‌آوری مشاهدات و اطلاعات، نظریاتی را ارائه می‌کنند و سپس به ارزیابی و قبول یا رد آن‌ها می‌پردازند. پس آنان نیز «با روش علمی مسائل اقتصادی را مطالعه می‌کنند».

(اقتصاد چیست؟، صفحه‌ی ۸)

۱۲۲. گزینه‌ی «۲»

درآمد ملی در برگیرنده‌ی مجموع درآمدهایی است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود. این درآمدها عبارت‌اند از: درآمد حقوق بگیران (دستمزدها)، درآمد صاحبان سرمایه (قیمت خدمات سرمایه)، درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره)، درآمد صاحبان مشاغل آزاد و سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.

بنابراین ردیف ۱ (درآمد صاحبان سرمایه) همان قیمت خدمات سرمایه است و ردیف ۶ (درآمد صاحبان املاک و مستغلات) همان اجاره‌بها یا جوجه مربوط به اجاره است.

توجه: در این سؤال، دو مقدار مجزا برای درآمد حقوق بگیران و دستمزدها نوشته است، درحالی‌که این دو تفاوتی با هم ندارند. با فرض مجزا بودن این مقادیر، درآمد ملی به‌صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶} = \frac{۱}{۳} \times \text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد}$$

$$= \frac{۱}{۳} \times (۹۸۹۷ + ۸۸۵۶) = \frac{۱}{۳} \times ۱۸۷۵۳ = ۶۲۵۱ \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{درآمد صاحبان سرمایه} = \frac{۲}{۳} \times \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات}$$

$$= \frac{۲}{۳} \times ۹۸۹۷ = ۶۵۹۸ \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶} = \frac{۱}{۵} \times \text{درآمد حقوق بگیران}$$

$$= \frac{۱}{۵} \times (۶۴۴۲ + ۸۸۵۶) = \frac{۱}{۵} \times ۱۵۲۹۸ = ۳۰۵۹ \text{ میلیارد ریال}$$

$$۹۸۹۷ + ۶۲۵۱ + ۶۵۹۸ + ۶۴۴۲ + ۳۰۵۹ + ۸۸۵۶ = \text{درآمد ملی}$$

$$= ۴۱۱۰۳/۶ \text{ میلیارد ریال}$$

با تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به‌دست می‌آید.

$$\text{میلیون ریال} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}} = \frac{۴۱۱۰۳۰۰}{۵۰} = ۸۲۲۰۷۲$$

متأسفانه این عدد در گزینه‌ها وجود ندارد؛ با این حال، سازمان سنجش آموزش کشور، گزینه‌ی «۳» را به‌عنوان پاسخ صحیح این سؤال معرفی نموده است.

مفهوم و معنای سرانه عبارت از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

(آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌ی ۲۶)

۱۲۸. گزینه‌ی «۲»

بهای کلای سرمایه‌ای = هزینه‌ی استهلاکی سالانه
عمر مفید کالا

$$= \frac{۱۳}{۶/۵} = ۲ \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۲ \times ۲ = ۴ = \text{هزینه‌ی استهلاک دو سال آخر}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۴ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۰/۴ = \text{افزایش استهلاک دو سال آخر}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۴ + ۰/۴ = ۴/۴ = \text{هزینه‌ی استهلاک دو سال آخر با قیمت جدید}$$

$$= ۴,۴۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۱/۳ = ۱۳ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = \text{افزایش قیمت کالا}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۱۴/۳ = ۱۳ + ۱/۳ = \text{قیمت جدید کالا}$$

$$= ۱۴,۳۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

(پودمهی دولت، صفحه‌ی ۸۶)

۱۲۹. گزینه‌ی «۴»

افزایش تولید ناشی از افزایش زیر کشت، یا بهبود روش‌ها، به‌کارگیری
بذر اصلاح شده یا فناوری برتر، مثالی برای «رشد» است زیرا این واژه،
صرفاً به‌معنای افزایش تولید «است»، بنابراین یک مفهوم «کمی» است و
آن‌چه که بر «توسعه» دلالت دارد، یک مفهوم «کمی - کیفی» است.

(توسعه‌ی اقتصادی، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۳۰. گزینه‌ی «۲»

با به‌کارگیری یک «نظام صحیح مالیاتی»، توزیع مجدد درآمد به نحو
قانونی، تفاوت میان درآمد و ثروت یک گروه محدود و اکثریت چشم‌گیر
مردم کاهش می‌یابد.

(توزیع درآمد و فقر، صفحه‌ی ۱۰۲)

۱۳۱. گزینه‌ی «۳»

«بانک مرکزی» با اعمال «سیاست بازار باز» می‌تواند با «فروش اوراق
مشارکت» به‌طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد.

(پول، صفحه‌ی ۱۲۶)

۱۳۲. گزینه‌ی «۲»

میزان موفقیت بانک‌ها - به‌خصوص بانک‌های تجاری - به میزان خدمات
آن‌ها، تعداد مشتریان و میزان سپرده‌های مردم نزد بانک بستگی دارد.
اگرچه اعطای وام و میزان «اعتبارات و تسهیلات اعطایی» برای بانک‌های
تجاری یکی از راه‌های کسب سود است اما افزایش بی‌رویه و عدم کنترل
آن، در اقتصاد کشور آثار مخربی بر جای می‌گذارد.

(بانک، صفحه‌ی ۱۳۷)

۱۲۵. گزینه‌ی «۳»

در سطح قیمت ۲۵۰ ریال که به ازای آن مقدار عرضه و تقاضا با هم
برابند، بازار به تعادل می‌رسد و در آن کمبود یا مازاد مشاهده نمی‌شود.
بنابراین در ردیف ۴ برابری میان عرضه و تقاضا را داریم که به آن «قیمت
و مقدار تعادلی» می‌گویند. در سطح قیمت‌های بالاتر از ۲۵۰ ریال
(ردیف‌های ۵، ۶ و ۷) در بازار با «مازاد عرضه» روبه‌رو می‌شویم.
در سطح قیمت‌های پایین‌تر از ۲۵۰ ریال (ردیف‌های ۱، ۲ و ۳) در بازار با
«کمبود عرضه» روبه‌رو می‌شویم.

(بازار، صفحه‌های ۴۹ و ۵۲)

۱۲۶. گزینه‌ی «۱»

«فصل چهارم» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که شامل «اصل چهل
و سوم تا اصل پنجاهم» می‌شود، با عنوان «اقتصاد و امور مالی» به مسائل
اقتصادی کشور پرداخته و چارچوب کلی نظام اقتصادی مطلوب خود را
ترسیم کرده است.

(اقتصاد و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صفحه‌ی ۶۵)

۱۲۷. گزینه‌ی «۲»

(الف)

$$\text{ریال } ۱۸,۰۰۰ = ۱,۵۰۰ \times \frac{۱۲}{۱۰۰} = ۵,۰۰۰ - ۶,۵۰۰$$

$$\text{ریال } ۳۳۷,۵۰۰ = ۲,۲۵۰ \times \frac{۱۵}{۱۰۰} = ۶,۵۰۰ - ۸,۷۵۰$$

$$\text{ریال } ۱۹۸,۰۰۰ = ۱,۱۰۰ \times \frac{۱۸}{۱۰۰} = ۱,۱۰۰ - ۹,۸۵۰$$

$$\text{ریال } ۳,۷۸۷,۵۰۰ = ۱۵,۱۵۰ \times \frac{۲۵}{۱۰۰} = ۹,۸۵۰ - ۲۵,۰۰۰$$

$$\text{ریال } ۵,۹۵۰ = ۱۷,۰۰۰ \times \frac{۳۵}{۱۰۰} = ۲۵,۰۰۰ - ۴۲,۰۰۰$$

$$\text{ریال } ۱۸,۰۰۰ + ۳۳۷,۵۰۰ + ۱۹۸,۰۰۰ + ۳,۷۸۷,۵۰۰ + ۵,۹۵۰ = ۱,۴۵۳,۰۰۰$$

(ب)

$$\text{ریال } ۱۲۵,۴۳۶,۰۰۰ = ۱۰,۴۵۳,۰۰۰ \times ۱۲ = \text{مالیات سالانه}$$

$$\text{ریال } ۵۰۴,۰۰۰ = ۴۲,۰۰۰ \times ۱۲ = \text{درآمد سالانه}$$

$$\text{ریال } ۳۷۸,۵۶۴,۰۰۰ = ۱۲۵,۴۳۶,۰۰۰ - ۵۰۴,۰۰۰ = \text{مانده‌ی خالص سالانه}$$

(ج) نام نرخ مالیاتی مورد محاسبه، نرخ تصاعدی طبقه‌ای است.

(پودمهی دولت، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

۱۳۳. گزینه‌ی «۱»

شرکت‌های سهامی به دو نوع سهامی عام و سهامی خاص تقسیم می‌شوند که فقط «شرکت‌های سهامی عام» در «بورس» پذیرفته می‌شوند. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، از مزایا و معافیت‌های مالیاتی خاص برخوردارند.

(پورس، صفحه‌ی ۱۴۴)

۱۳۴. گزینه‌ی «۳»

طبق دستورالعمل بانک مرکزی، «اوراق مشارکت»، اوراق بهاداری است که با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز طرح‌های سودآور تولیدی و خدماتی (به استثنای «امور بازرگانی») در چارچوب «عقد مشارکت مدنی»، توسط سازمان مجری منتشر می‌شود.

(پورس، صفحه‌ی ۱۴۵)

۱۳۵. گزینه‌ی «۴»

نام کشور	تولید غالب
ایران	پسته
مصر	پنبه
کوبا	نیشکر
غنا	کاکائو
نیجریه	نفت
برزیل	قهوه
آرژانتین	محصولات دامی

(تفاوت بین‌الملل، صفحه‌ی ۱۵۷)

«فدریکو گارسیا لورکا» با کتاب «شاعر در نیویورک» به سور رئالیسم رو آورد و اساس شعر او «ترانه‌های عامیانه» است که در قالبی شاعرانه و خلاق ریخته شده است.

(کتاب ادبیات (۲)، صفحه ۱۷۵)

۱۴۳. گزینه ی «۳»

«جبران خلیل جبران» در سال ۱۹۲۰ در آمریکا «انجمن رابطه ی قلمی» را به راه انداخت. گروه کثیری از بزرگان عرب مانند شاعر معروف، «ایلیا ابوماضی»، در این انجمن عضویت داشتند.

(کتاب ادبیات (۲)، صفحه ۲۰۱)

۱۴۴. گزینه ی «۳»

بیت «ه»: «از دوری یار، هر سر مو چون نیشتر (آلت رگ زدن) در بدن فرو رفتن و در نتیجه ی آزار آن، در خون خفتن» اغراق دارد. بیت «الف»: ایهام تناسب دارد: «سودا»: ۱- عشق ۲- معامله، خرید و فروش که با «بازار» و «خریدار» تناسب دارد. بیت «ب»: متناقض نما: مست هشیار بیت «د»: در این بیت، مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است و می توان جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن دو علامت = گذاشت، بنابراین بیت دارای اسلوب معادله است. بیت «ج»: تشبیه مرجح: ترجیح یار بر سرو (یار، در خوبی و راست قامتی از سرو برتر دانسته شده است).

(آرایه های ادبی، ترکیبی)

۱۴۵. گزینه ی «۴»

حس آمیزی: سبز بودن خواب خدا
آبی بودن پره های صداقت
ترس شفاف

کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است: تشبیه تفضیل
عشق به اندازهی (مانند) پره های صداقت آبی است: تشبیه غیربلیغ

(آرایه های ادبی، ترکیبی)

۱۴۶. گزینه ی «۱»

ای جان و دل: استعاره ی مصرّحه از معشوق و مجاز به علاقه ی شباهت
تشخیص: آغوش گل
تشبیه: بوی تو چون نکه ت
جناس: گل و گل

(آرایه های ادبی، ترکیبی)

۱۴۷. گزینه ی «۲»

کنایه: چیزی را از بیخ برکنندن (کنایه از نابود کردن کامل چیزی است).
تشبیه: زمین دل، بیل غم، خار اجل (هر سه اضافه ی تشبیهی اند).
استعاره ی مکنیه: بیخ امل
جناس: بیخ و بیل

(آرایه های ادبی، ترکیبی)

۱۴۸. گزینه ی «۲»

بیت «ج»: تضاد: لیل و نهار
بیت «ب»: تشبیه: مرجح: خوب تر بودن روی معشوق از خورشید



ادبیات اختصاصی - کنکور سراسری ۹۱

نگارش پاسخ: زهرا تقی زاده، مینا توکلی نژاد

۱۳۶. گزینه ی «۲»

در کتاب های اخلاقی و آموزشی فارسی مانند «قابوس نامه، بحرالفوائد، نصیحة الملوك و اخلاق ناصری»، از اندرزنامه ها و پندنامه های عصر ساسانی کم و بیش استفاده شده است.

(کتاب ادبیات (۱)، صفحه ۱۳)

۱۳۷. گزینه ی «۴»

«طریق التّحقیق»، مثنوی ای از سنایی به وزن و شیوه ی حدیقه است که سرودن آن در سال ۵۲۸ تمام شده است. تعریف داده شده در این گزینه، مربوط به «سیرالعباد الی المعاد» است.

(کتاب ادبیات (۱)، صفحه های ۱۳۸ و ۱۳۹)

۱۳۸. گزینه ی «۱»

یکی از تراژدی های «راسین»، «آستر» نام دارد که وقایع آن از اوّل تا به آخر در ایران می گذرد و از قسمتی از تورات - که به ماجرای عشق خشایارشا نسبت به آستر، دختر زیبای یهودی و نفوذ وی در دربار هخامنشی و نجات یهودیان به فرمان خشایارشا مربوط می شود - الهام گرفته است.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۲»: تراژدی دیگری از راسین، با نام «بایزید»، از نزدیک با تاریخ ایران در زمان صفوی ارتباط دارد. گزینه «۴»: «سورنا، سردار اشکانی»، آخرین تراژدی «پی یر کورنی»، شرح شکست تاریخی روم در مقابل ایرانیان است.

(کتاب ادبیات (۱)، صفحه ۱۹۳)

۱۳۹. گزینه ی «۳»

نخستین نمونه ی رمان ناتورالیستی، «ترز راکن» (۱۸۶۷) اثر «امیل زولا» است. قهرمانان اصلی این اثر - ترز و لوران - بازیچه ی غرایز خود هستند و دست به جنایت می زنند. زولا در این اثر، با روان کاوی دقیق، دوران کودکی ترز و امیال سرکوفته ی او را به تصویر می کشد.

(کتاب ادبیات (۱)، صفحه ۲۱۷)

۱۴۰. گزینه ی «۱»

گزیده ای از غزلیات بیدل در پایان کتاب «شاعر آینده ها»، به انتخاب محمدرضا شفیعی کدکنی به چاپ رسیده است. عبارات سایر گزینه ها درست است.

(کتاب ادبیات (۲)، صفحه های ۵۶، ۱۰۸، ۱۱۷ و ۱۳۳)

۱۴۱. گزینه ی «۴»

«پریان»، اثری «منتور» از قآنی و به شیوه ی «گلستان» سعدی است. سایر موارد درست هستند.

(کتاب ادبیات (۲)، صفحه های ۱۳، ۵۹، ۷۸ و ۹۰)

۱۴۲. گزینه ی «۴»

۱۵۳. گزینه‌ی «۱»

نَ	خا	هی	آر	کَ	چَ	آ	تَش
U	-	U	-	U	U	-	-
خ	مو	ش	با	شُ	بَ	هر	خس
مفاعِلن				فَعَلاتِن			

کُ	نَد	د	خا	مو	شت
U	U	U	-	-	-
رَ	هَ	ک	مِیَن	مَک	شای
مفاعِلن			فَعَلن (فَعَلن)		

مَ	نَ	رَ	مِیَ	دَ	زَ	غِیَ	رَت
U	U	U	-	U	U	-	-
نَ	گا	رَ	خِیَ	ش	چَ	دِیَ	دَم
مفاعِلن				فَعَلاتِن			

ز	پا	فَ	تا	دم	دوش
U	-	U	-	-	-
بَ	دَسَ	تَ	بِیَ	گا	نَه
مفاعِلن			فَعَلن (فَعَلن)		

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: وزن بیت، «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن»

گزینه‌ی «۳»: وزن بیت، «فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلن»

گزینه‌ی «۴»: وزن بیت، «مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن»

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه‌ی ۵۹)

۱۵۴. گزینه‌ی «۲»

گر	ز	در	یا	دُ	سَ	قَط	ر
-	U	-	-	U	U	-	U
-	U	-	-	U	U	-	-
با	ز	چُن	جَمَ	ع	شَ	ود	رو
فاعلاتِن				فَعَلاتِن			

بَ	پَ	را	کَن	د	چَ	باک
U	U	-	-	U	U	-
U	U	-	-	-	-	-
سو	ی	در	یا	دا	رد	
فَعَلاتِن			فَعَلن			

در رکن اول هر دو مصراع بیت، «فاعلاتن» به جای «فَعَلاتِن» آمده است. در هجای سیزدهم مصراع دوم، یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه آمده است (ابدال) و در هجای هشتم مصراع اول، تغییر کمیّت مصوّت

بیت «الف»: اسلوب معادله دارد. (به توضیح ارائه شده برای بیت «د» در پاسخ سؤال ۱۴۴ مراجعه شود.)

بیت «د»: تناقض: از دل ویران به جمعیت رسیدن و طلبیدن گنج از خراب. (آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۴۹. گزینه‌ی «۴»

استعاره‌ی مکنّیه و تشخیص: چنگ غم (اضافه‌ی استعاره‌ی از نوع تشخیص) تشبیه: نای حلق به «ارغن» (نوعی ساز) تشبیه شده است که نوا برمی آورد. ایهام تناسب: چنگ: ۱- پنجه ۲- نوعی ساز که با «ارغن» تناسب دارد.

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۵۰. گزینه‌ی «۱»

این بیت، حس آمیزی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: جهان: مجاز از مردم جهان نگران: ایهام: ۱- مشوّش ۲- نگرنده (نگاه کننده)

گزینه‌ی «۳»: عیش و عزا: تضاد

قربان: ایهام تناسب: ۱- برای تو قربان (شوم) ۲- قربان با «عید»، ایهام تناسب دارد.

گزینه‌ی «۴»: تلمیح: به ماجرای گریستن حضرت علی (ع) در چاه دریای درد: تشبیه بلیغ اضافی

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۵۱. گزینه‌ی «۲»

در این بیت «ز من»، ردیف است و «برنماید» و «نماید» قافیه‌های اول و «روی» و «بوی» قافیه‌های دوم هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه‌ی «۱»، «سودا و سیما»

در گزینه‌ی «۳»، «برانداخته، درانداخته»

در گزینه‌ی «۴»، «رعنا، زیبا» کلمات قافیه هستند.

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه‌ی ۱۲)

۱۵۲. گزینه‌ی «۳»

در این بیت، «عشق» ردیف است و واژگان «عرق» و «حلق» کلمات قافیه و «رَق» و «لَق» حروف قافیه هستند که نادرست است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: قافیه نمودن واژگان «در آ و بر آ» مطابق قاعده‌ی «۱» صحیح است.

گزینه‌ی «۲»: قافیه نمودن واژگان «مستان و آن» صحیح است.

گزینه‌ی «۴»: قافیه نمودن واژگان «وفا و ما» مطابق قاعده‌ی «۱» صحیح است. «ست» (مخفف فعل اسنادی «است») ردیف است.

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه‌ی ۱۲)

دکتر جانسون انگلیسی، ادیب بلند پایه ی قرن هجدهم، معتقد است که شاعر باید دنیا را از آن چه هست بهتر نشان دهد.

جمله ی ذکر شده در این گزینه، از «توفیل گوئی» است.

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه های ۸۶ و ۸۷)

۱۵۹. گزینه ی «۱»

ابیات گزینه های «۲»، «۳»، «۴» همگی در مورد توصیف طبیعت و مربوط به سبک خراسانی است در صورتی که بیت در گزینه ی «۱»، مربوط به سبک «واسوخت» است.

هم چنین در گزینه ی «۲»، واژه ی «سیم»، در گزینه ی «۳»، «تیغ آبداده» و در گزینه ی «۴»، «گوی» و «آسمانستی و بوستانستی» همگی به ویژگی زبانی «کنه و مهجور بودن لغات در مقایسه با زبان امروز» که از ویژگی های سبک خراسانی است، اشاره دارند.

(مکون نظم و نثر، صفحه های ۵ و ۴۶)

۱۶۰. گزینه ی «۱»

در عبارت صورت سؤال به این موضوع اشاره شده است که برای رسیدن به مقصود باید سختی ها را تحمل کرد که این مفهوم در بیت های گزینه های «۲»، «۳» و «۴» نیز آمده است، در حالی که در گزینه ی «۱»، شاعر می گوید: هر چند گناهکارم ولی باز هم به بخشش خداوند امیدوارم.

(مکون نظم و نثر، صفحه ی ۳۷)

۱۶۱. گزینه ی «۴»

در بیت صورت سؤال، عاشق، معشوق را تهدید می کند که در صورت جفا دیدن از وی، از عشق او رهایی خواهد جست و او را ترک خواهد کرد. مفهوم مخالف این بیت در گزینه ی «۴» آمده است. شاعر در این گزینه، از معشوق خود دوری نمی جوید بلکه می گوید قادر به ترک او نیست و مانند بادبادکی که با رشته ای از نخ، به دست کودک وصل است و از دست او رها نمی شود، او نیز هر جا که رود، بار دیگر به سوی معشوق خود باز خواهد گشت.

(مکون نظم و نثر، صفحه ی ۵۸)

۱۶۲. گزینه ی «۲»

عبارت صورت سؤال، به سرزنش زاهدانی می پردازد که به مردم پند و اندرز می دهند ولی خود به کار دیگری برخلاف نصایح خود می پردازند «زاهدان کاین جلوه بر محراب و منبر می کنند / چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند»

در بیت گزینه ی «۲» نیز به این مفهوم اشاره شده است که واعظ هر چند در ظاهر به پند و نصیحت و رعایت اصول شرع می پردازد ولی در باطن کافر سیرت است.

(مکون نظم و نثر، ترکیبی)

۱۶۳. گزینه ی «۱»

معنی عبارت «نقش از روی کار بازخواند» به این معنی است که «به سرعت متوجه شد و از روی ظاهر، باطن را دریافت» که این مفهوم در تمام گزینه ها به جز بیت گزینه ی «۱» آمده است.

کوتاه به بلند و در هجای نهم مصراع دوم، تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه رخ داده است. در این بیت، اختیار شاعری «قلب» وجود ندارد.

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه های ۳۸ و ۴۷)

۱۵۵. گزینه ی «۴»

با	وَر	مَ	کَن	کَ	مَن	دَسَ
-	-	U	-	U	-	-
شَمَ	شی	ر	نَگَ	سَ	لا	نَد
مفعول			فاعلاتن			

تَز	دَا	مَ	نَتَ	بَ	دَا	رَم
-	-	U	-	U	-	-
پِیَ	وَنَ	دَ	مَهِ	رَ	بَا	نَاخِرَ
مفعول			فاعلاتن			

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن = مستفعّلن فعولن مستفعّلن فعولن ←
مضارع مثنی اخرب

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه ی ۵۸)

۱۵۶. گزینه ی «۳»

می	وَ	زَ	دَز	چَ	مَن	نَ	سِیَ
-	U	کَ	-	U	-	U	-
هَکَر	بَ	نَو	شِیَ	دَ	دَم	بَ	دَم
فاعلاتن (فاعلاتن)				مفاعِلن			

مَ	بَ	هَشْت
U	U	-
مَ	یَ	نَاب
فَعْلَن		

در رکن اول هر دو مصراع، «فاعلاتن» به جای «فاعلاتن» آمده است.
وزن اصلی بیت، «فاعلاتن مفاعِلن فعْلَن» است که نام آن، «خفیف مسدّس مخبون محذوف» است.

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه ی ۶۰)

۱۵۷. گزینه ی «۳»

«گنورگ کایزر»، «برتولت برشت»، «ژان پل سارتر»، «آلبر کامو» همگی از منتقدین سبک نقد اجتماعی هستند.
تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: همگی از جمله منتقدان سبک نقد «زیبایی شناسی» هستند.
گزینه های «۲» و «۴»: «دیدرو» و «تولستوی» پیرو نقد «اخلاقی» است.

(قافیه و عروض - نقد ادبی، صفحه ی ۹۰)

۱۵۸. گزینه ی «۲»

بیت گزینیهی «۱» به مفهوم رازداری دوست اشاره دارد.

(متون نظم و نثر، صفحه‌ی ۲۶)

۱۶۴. گزینیهی «۳»

مفهوم همه‌ی ابیات با هم تناسب مفهومی دارند به‌جز بیت گزینیهی «۳». در بیت اول گزینیهی «۳»، شاعر به دشواری غم عشق اشاره دارد و می‌گوید: خاری که بر دل می‌نشیند (یعنی عشق)، آزاردهنده‌تر از خاری است که در پای فرو می‌رود. درحالی‌که در بیت دوم این گزینیه، شاعر می‌گوید: با وجود غم عشق معشوق، رفتن به‌سوی زیبارویان دیگر نشانه‌ی کوتاه‌نظری است.

تشریح گزینیهای دیگر:

در گزینیهی «۱»، هر دو بیت به این موضوع اشاره دارند که شاعر هر چند گناهکار است ولی باز به عفو خداوند امید دارد.

هر دو بیت گزینیهی «۲»، به این موضوع اشاره دارند که جهان خلقت در ذات خود عیبی ندارد و «رشته‌ی گران فطرت را در کارگاه تکوین بر تلوین یک سر سوزن خطا نباشد».

هر دو بیت گزینیهی «۴»، به این مفهوم اشاره دارند که شاعر قادر به گفتن راز دل خود به دیگران نیست.

(متون نظم و نثر، صفحه‌ی ۵۸)

۱۶۵. گزینیهی «۳»

همه‌ی ابیات به‌جز بیت این گزینیه، در مدح «راستگویی» هستند. ابیات گزینیهای «۱» و «۴» به این موضوع اشاره دارند که صبح نخستین، سیه‌روی است زیرا لاف روشنی‌زده و دروغ گفته است. در گزینیهی «۲» نیز به تمجید راست‌گویی پرداخته شده است. درحالی‌که در گزینیهی «۳»، شاعر می‌گوید اگر فرد منظور و هدفی نداشته باشد، «راستی» او بی‌سرانجام و بیهوده است.

(متون نظم و نثر، صفحه‌ی ۵۸)

۱۷۱. گزینه‌ی «۱»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «تعداد» تعریب نشده است و «ظاهرأ» از نظر معنایی نمی‌تواند تمیز برای «إزداد» باشد. تعریب درست عبارت: «قد إزداد طُلاب العلوم عدداً فی الظاهر.»

گزینه‌ی «۳»: «کثیرأ» در تعریب «بسیاری از مردم» نادرست است و درست آن، «کثیر من الناس» است.

گزینه‌ی «۴»: «مُحبأ» مشتق است و نمی‌تواند مفعول‌له به معنای «به‌خاطر دوست داشتن» باشد.

(عربی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

۱۷۲. گزینه‌ی «۳»

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت این چنین است: «مُنْذُ ذَلِكَ الْيَوْمِ بَدَأَتْ صَفْحَةُ بِيضَاءٍ فِي حَيَاتِنَا وَ عَزَمْنَا أَنْ نَنْظِلَّ طَوْلَ حَيَاتِنَا حِفَاءً وَ صَرْنَا مِنْ أَطْهَرِ الْعِبَادِ.»

«اليوم»: عطف بیان و مجرور به تبعیت از «ذلك» که محلاً مجرور به حرف جر «منذ» است. / «بَدَأَتْ»: فعل ماضی للغائبه / «صفحة»: فاعل و مرفوع / «بيضاء»: صفت و مرفوع به تبعیت از «صفحة» (غیرمنصرف است و تنوین نمی‌گیرد). / «عَزَمْنَا»: فعل ماضی للمتكلم مع الغير / «نَنْظِلَّ»: فعل مضارع منصوب به «أن» ناصبه (از افعال ناقصه و اسم آن، ضمیر مستتر «نحن»)/ «طول»: مفعول‌فیه و منصوب / «حياة»: مضاف‌الیه و مجرور / «حفاة»: خبر «نظّل» و منصوب / «صَرْنَا»: فعل ماضی للمتكلم مع الغير (از افعال ناقصه و اسم آن، ضمیر مستتر «نحن»)/ «أَطْهَرِ»: مجرور به حرف جر (غیر منصرف است اما چون مضاف واقع شده است، کسره را می‌پذیرد). «من أَطْهَرِ»: خبر برای «صَرْنَا» و محلاً منصوب / «العباد»: مضاف‌الیه و مجرور

(عربی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

۱۷۳. گزینه‌ی «۲»

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت این چنین است: «الاستثناءُ هُوَ إِخْرَاجُ مَا بَعْدَ أَدَاةِ الْإِسْتِثْنَاءِ مِنْ حُكْمِ مَا قَبْلَهُ وَ الْمُخْرَجُ مِنْهُ يُسَمَّى مُسْتَثْنًى مِنْهُ.»

«الاستثناء»: مبتدا و مرفوع / «هو»: ضمیر فصل / «إخراج»: خبر و مرفوع / «بعد»: مفعول‌فیه و منصوب / «أداة»: مضاف‌الیه و مجرور / «الاستثناء»: مضاف‌الیه و مجرور / «قبل»: مفعول‌فیه و منصوب / «المُخْرَجُ»: مبتدا و مرفوع / «يُسَمَّى»: فعل مضارع مجهول و نایب فاعل آن، ضمیر مستتر «هو»؛ خبر برای «المخرج» و محلاً مرفوع / «مستثنى»: مفعول‌به و منصوب تقدیراً.

توضیح نکته‌ی درسی:

«سَمًى - يَسْمًى» یک فعل دو مفعولی است که در هنگام مجهول شدن، مفعول به اول آن به نائب فاعل تبدیل می‌شود.

(عربی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۸۳)

۱۷۴. گزینه‌ی «۲»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: منادای مضاف، درست است.

عربی اختصاصی - کنکور سراسری ۹۱



نکارش پاسخ: عمادالدین صالحیان

۱۶۶. گزینه‌ی «۲»

«إياكم و اليأس»: از ناامیدی دوری کنید، از یأس حذر کنید / «فإن فرص الخير»: چه (زیرا)، فرصت‌های خوب (نیک) / «سانحة»: دست می‌دهد، اتفاق می‌افتد / «لکل إنسان»: برای هر انسانی

(عربی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۶۷)

۱۶۷. گزینه‌ی «۳»

«يستدل مسؤولو المدرسة»: (در این‌جا) دلیل مسئولان مدرسه / «علی مقدار نشاط التلاميذ المجتهدين»: بر مقدار فعالیت دانش‌آموزان کوشا (تلاشگر) / «بما»: (در این‌جا) آن چیزی است که / «يجرى»: جاری می‌شود (فعل مضارع مجهول است). / «علی ألسن معلمهم»: بر زبان معلم‌های آن‌ها

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «آن مقداری است که» معادلی در عبارت عربی ندارد.

گزینه‌ی «۲»: «جاری نمی‌گردد» نادرست است. (فعل این عبارت، مثبت است).

گزینه‌ی «۴»: ضمیر «هم» در «معلمهم» ترجمه نشده است.

(عربی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

۱۶۸. گزینه‌ی «۴»

«يظن»: گمان می‌کنند / «بعض الناس»: بعضی از مردم / «أنهم حينما يكبرون»: هنگامی که پیر می‌شوند / «يصبحون»: می‌گردند، می‌شوند / «عنباً ثقیلاً»: بار سنگینی / «علی الآخرين»: بر دیگران / «ولكن»: امّا، ولی / «الحقيقة غير ذلك»: حقیقت غیر از آن است / «فعلى الآخرين»: لذا بر دیگران است، دیگران باید / «أن يراقبهم»: که از آن‌ها مراقبت (نگهداری) کنند.

(عربی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

۱۶۹. گزینه‌ی «۳»

«خاموش خواهد شد» نادرست است؛ ترجمه‌ی صحیح «انطفأت»: خاموش شده است. (چون فعل ماضی است نه مستقبل).

(عربی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۵۵)

۱۷۰. گزینه‌ی «۴»

این گزینه، تنها گزینه‌ای است که عبارت «بر ماست» را درست تعریب کرده است.

بر ماست: «علینا» / که مقاومت کنیم: «أن نقاوم» / در برابر هجوم دشمنان: «أمام هجوم الأعداء» / هوار: «دائماً» / تا تجاوز نکنند: «حتى لا يعتدوا» / به مقدسات ما: «علی مقدساتنا» / هرگز: «أبداً»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های «۱» و «۲»: ضمیر «نا» در «أعدائنا» زائد است.

گزینه‌ی «۳»: «لن يعتدوا»: تجاوز نخواهند کرد.

(عربی پیش‌دانشگاهی، ترکیبی)

گزینه ی «۳»: «تَدْعُ» در اصل «تدعو» بوده که در حالت جزم، حرف عله ی آن حذف شده است.
افعال گزینه های «۱» تا «۳» همگی معرب اند.

(عربی پیش دانشگاهی، صفحه های ۳۷ و ۳۸)

۱۸۰. گزینه ی «۴»

در این گزینه تنها اسم منصوبی که احتمال می دهیم مفعول له باشد، «احتفالاً» است ولی با توجه به فعل «تقیم»، این اسم، مفعول به و منصوب است.
توضیح نکته ی درسی:

مفعول له مصدر منصوبی است که دلیل انجام شدن فعل جمله را بیان می کند.
معمولاً پس از مفعول له، جار و مجرور می آید.
تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: «شفقة» مفعول له و منصوب است.
گزینه ی «۲»: «خوفاً» مفعول له و منصوب است.
گزینه ی «۳»: «تأديباً» مفعول له و منصوب است.

(عربی پیش دانشگاهی، صفحه ی ۶۸)

۱۸۱. گزینه ی «۴»

می دانیم که تمیز برای رفع ابهام می آید و پرسش نیز از ما می خواهد جمله ای را که نیاز به تمیز ندارد (یعنی مبهم نیست)، مشخص کنیم. در این گزینه، هیچ اسم یا جمله ای وجود ندارد که نیاز به رفع ابهام داشته باشد.
تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: «کم» نیاز به رفع ابهام دارد و «فتة»، تمیز آن و منصوب است.
گزینه ی «۲»: «خیر» تفضیلی (به معنای بهترین) نیاز به رفع ابهام دارد و «تدبیراً»، تمیز آن و منصوب است.
گزینه ی «۳»: «أربعة» (عدد) نیاز به رفع ابهام دارد و «مذنبین»، تمیز آن و فرعاً منصوب است.

(عربی پیش دانشگاهی، صفحه های ۷۶ و ۷۷)

۱۸۲. گزینه ی «۲»

در این گزینه هیچ یک از انواع توابع (عطف بیان، معطوف، صفت، مؤکد و ...) نیامده است.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: «الفراشة» اسم دارای «ال» است که بعد از اسم اشاره آمده و چون جامد است؛ عطف بیان است.
گزینه ی «۳»: «كبيرة» صفت برای «مقادير» است.
گزینه ی «۴»: «الحقل» پس از اسم اشاره آمده و عطف بیان است؛ «الواسع» نیز صفت برای «الحقل» است.

(عربی (۳)، صفحه های ۸۷ و ۹۲)

گزینه ی «۳»: مبنی للمجهول، درست است.

گزینه ی «۴»: باب «افعال» و صحیح و مهموز، درست است.

(عربی پیش دانشگاهی، ترکیبی)

۱۷۵. گزینه ی «۳»

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: صحیح و مهموز، درست است.
گزینه ی «۲»: اسم «کاد»، اسم ظاهر «الماء» است.
گزینه ی «۴»: مشتق و اسم زمان نادرست است.

(عربی پیش دانشگاهی، ترکیبی)

۱۷۶. گزینه ی «۱»

چون فاعل فعل «تقع»، ضمیر «هی» مستتر است که به یک اسم مؤنث مجازی باز می گردد، پس الزاماً فعل باید به صورت مؤنث بیاید.
تشریح گزینه های دیگر:
گزینه های «۲» و «۴»: فاعل، اسم ظاهر مؤنث مجازی است که فعل آن جایز است مؤنث یا مذکر بیاید.
گزینه ی «۳»: نایب فاعل، اسم ظاهر مؤنث مجازی است که فعل آن جایز است مؤنث یا مذکر بیاید.

(عربی پیش دانشگاهی، صفحه ی ۶)

۱۷۷. گزینه ی «۱»

در این گزینه، عائد صله حذف شده است.
تشریح گزینه های دیگر:
گزینه ی «۲»: ضمیر مستتر «هی» در فعل «تکتسب» عائد صله است.
گزینه ی «۳»: ضمیر «ها»، عائد صله است.
گزینه ی «۴»: ضمیر مستتر «هی» در «کانت»، عائد صله است.

(عربی پیش دانشگاهی، صفحه ی ۱۹)

۱۷۸. گزینه ی «۱»

اسم های منسوب در این گزینه به اسم های «ظاهر» و «فکر» باز می گردند که هر دو مذکر هستند، بنابراین باید اسم های منسوب هم مذکر باشند؛ پس «الغربی» و «الشرقی» درست است.
در سایر گزینه ها، اسم های منسوب به کار رفته اند.

(عربی (۲)، صفحه ی ۱۹۵)

۱۷۹. گزینه ی «۴»

فعل های ماضی و امر و صیغه های ۶ و ۱۲ فعل مضارع، مبنی اند و اعراب محلی دارند. در این گزینه فعل «وجدوا» فعل شرط و ماضی و به همین دلیل، محلاً مجزوم است.
تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ی «۱»: «يقع» فعل شرط است ولی با اعراب اصلی مجزوم شده است.
گزینه ی «۲»: «تر» فعل شرط و در اصل «تری» بوده که در حالت، جزم حرف عله ی آن حذف شده است. (اعراب فرعی)

۱۸۳. گزینه‌ی «۱»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «ما» در این‌جا «ما»ی نفی است و «ما أقبل اليأس علينا» یعنی:

ناامیدی به ما روی نیاورد!

گزینه‌ی «۳»: «ما» در این‌جا «ما»ی شرط است.

گزینه‌ی «۴»: «ما» در این‌جا «ما»ی نفی است و «ما أنكر» یعنی: انکار نکردند.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۵۲ و ۱۵۳)

۱۸۴. گزینه‌ی «۴»

در این گزینه، «ادات تشبیه» (حرف «ک») وجود دارد، پس تشبیه مجمل است نه بلیغ!

توضیح نکته‌ی درسی: توجه کنید که عبارت «يلقى شبكته» در گزینه‌ی «۲» و

«لم يستطيع أن ينجو منها» در گزینه‌ی «۳»، وجه شبه نیستند! چون وجه شبه باید

هم نسبت به مشبه و هم نسبت به مشبه‌به قابل انتساب باشد.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۷۳ تا ۱۷۴)

۱۸۵. گزینه‌ی «۳»

در این گزینه «یپکی» و «تضحک» با هم تضاد دارند و «تضاد» یکی از محسنات معنوی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «الجاری» و «جاری» جناس تام دارند و جناس تام از محسنات لفظی است نه معنوی.

گزینه‌ی «۲»: «الساعة» و «الساعة» جناس تام دارند که از محسنات لفظی است نه معنوی.

گزینه‌ی «۴»: «خشوع» و «خضوع» جناس ناقص دارند که از محسنات لفظی است نه معنوی.

(عربی (۳)، صفحه‌ی ۱۸۴)

.۱۹۲ گزینۀ «۴»

با اعزام سپاهی توسط ناصرالدین شاه به هرات، انگلستان بی‌درنگ به خلیج فارس حمله برد و ایرانیان که نتوانستند در برابر حمله‌ی آنان مقاومت کنند، سرانجام با میانجیگری دولت «فرانسه» با نماینده‌ی انگلستان، «معاهده‌ی پاریس» را امضا نمودند تا ایران متعهد شود «هرات» را تخلیه کند.

(ایران در دوره‌ی محمد شاه و ناصرالدین شاه، صفحۀ ۱۱۴)

.۱۹۳ گزینۀ «۴»

آخرین بخش از اصلاحات در دوره‌ی ناصرالدین شاه با پی‌گیری‌های «میرزا حسین‌خان سپهسالار» که دوران صدارت، وزارت و سپهسالاری او نزدیک به ۹ سال طول کشید، انجام پذیرفت.

(تأثیر انقلاب صنعتی اروپا بر ایران، صفحۀ ۱۴۶)

.۱۹۴ گزینۀ «۱»

رضاشاه به نام تمدن و تجدد، به یک شکل کردن لباس‌ها و نیز «منع حجاب بانوان» اقدام کرد. اما مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن جمله، قیام مردم مسلمان مشهد در «مسجد گوهرشاد» بود که طی آن، عده‌ی زیادی کشته و مجروح شدند.

(دوران سلطنت رضا شاه، صفحۀ ۱۸۹)

.۱۹۵ گزینۀ «۴»

امام خمینی (ره)، به مناسبت درگذشت فرزند خویش سخنانی ایراد کردند و این حادثه را از الطاف خفیه‌ی الهی دانستند و دو قشر روحانی و دانشگاهی را برای مبارزه با طاغوت، به وحدت دعوت کردند.

(انقلاب اسلامی (۲)، صفحۀ ۲۳۲ و ۲۳۳)

.۱۹۶ گزینۀ «۳»

در بررسی تاریخ یک کشور، تنها با مطالعه‌ی رویدادهای تاریخی محض، به شناخت دقیق و فهم درستی از گذشته نایل نمی‌شویم بلکه زمانی این امر میسر می‌شود که در کنار مطالعه‌ی رویدادها، به بررسی «موقعیت مکانی و جغرافیایی» آن نیز بپردازیم.

(مغز(ها) پستز تمولات تاریخی، صفحۀ ۱۳۴)

.۱۹۷ گزینۀ «۳»

در ایران مهم‌ترین موزه‌ی آثار تاریخی، «گنجینه‌ی ملی ایران» است که در شهر «تهران» قرار دارد.

(آثار باستانی، مرز تاریک و روشن تاریخی، صفحۀ ۷۲)

.۱۹۸ گزینۀ «۲»

در استفاده از منابع هنری، نباید تنها به بررسی شاهکارها پرداخت، چراکه «آثار هنری عامیانه» چه بسا واقعیات بیش‌تری را از زندگانی مردم عادی منعکس می‌کنند؛ امری که به خصوص در تألیف تاریخ اجتماعی باید مورد نظر مورخان قرار بگیرد.

(هنر و تاریخ، صفحۀ ۹۵)

تاریخ کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: ماهان آشوری

.۱۸۶ گزینۀ «۳»

در کوه خواجه واقع در سیستان، آثار نقاشی‌های دیواری عصر «اشکانی» یافت شده است.

(اشکانیان، صفحۀ ۷۷)

.۱۸۷ گزینۀ «۱»

مجسمه‌ی بزرگ طلایی، یکی از زیباترین آثار به جا مانده از «سومریان» است.

(تمدن در میان دو رود، صفحۀ ۱۸)

.۱۸۸ گزینۀ «۲»

از جمله مهم‌ترین مخاطرات و تهدیدات بعد از وفات رسول اکرم (ص) در جامعه‌ی نوپای اسلامی که فکر ایشان را به خود مشغول کرده بود، عبارت بودند از: ۱) زنده شدن مجدد فرهنگ، عقاید و سنت‌های عصر جاهلی (۲) درک نادرست دین و عرضه‌ی تفسیرهای غلط از اسلام بنا به انگیزه‌های اقتصادی و قومی (۳) تهدیدهای نظامی دشمنان خارجی، به‌ویژه رومیان که در سال‌های پایانی حیات پیامبر (ص) جدی شده بود (۴) ظهور مدعیان پیغمبری در چند منطقه از شبه‌جزیره که در صدد بودند تا با طرح دعاوی دروغین نبوت، قدرت و نفوذی همچون حضرت محمد (ص) کسب کنند.

(اسلام در مدینه، صفحۀ ۱۰۴ و ۱۰۵)

.۱۸۹ گزینۀ «۱»

سامانیان خاندانی ایرانی بودند که نسب خود را به بهرام چوبین می‌رساندند. جد ایشان، سامان خدّاء، از دهقانان ناحیه‌ی بلخ بود که پس از مسلمان شدن، به همراه نوادگانش به خدمت خلفا در آمدند و به پاس خدماتی که به خلافت نمودند، در زمان مأمون حکومت شهرهای مختلف ماوراءالنهر به آنان داده شد.

(ایران در قرون نخستین اسلامی (۲)، صفحۀ ۱۳۸)

.۱۹۰ گزینۀ «۲»

در دوران رنسانس، با کلیسا که همه‌ی ابعاد زندگی را تحت تسلط خود درآورده بود، مخالفت شد. لذا انسان مورد توجه قرار گرفت و بیش‌تر آثار نقاشی و مجسمه‌سازی به احساس انسان، اندیشه‌ی انسان، اعمال انسان و نیز طبیعت انسان اختصاص داده شد.

(رنسانس در اروپا، صفحۀ ۱۹۲)

.۱۹۱ گزینۀ «۱»

در اواخر قرن نوزدهم، در مناطق جنوبی آفریقا، مقاومت قبایل سیاه پوست به نام زولوها، انگلستان را دچار «مشکل» بزرگ ساخت. دهقانان مهاجر هلندی (بوئرها) علیه سلطه‌ی انگلستان دست به «مقاومت» زدند و تا چندین سال به مقاومت خود ادامه دادند. با توجه به اشاره‌ی صورت سؤال به واژه‌ی «مشکل»، گزینۀ «۱» پاسخ صحیح است نه گزینۀ «۴».

(استعمار در قرن نوزدهم، صفحۀ ۵۸)

۱۹۹.

گزینه‌ی «۲»

در تمدن اسلامی مقامی به نام «نقیب» وجود داشت که «وظیفه‌اش»، شناختن نسب افراد خاندان‌های مهم بود. نقیب در اصل رابط حکومت با افراد این خاندان‌ها (خاندان‌های مهم) بود. چون این کار مستلزم شناخت نسب افراد این خاندان‌ها بود، لذا نقیب‌ها افرادی نسب‌شناس به شمار می‌آمدند.

(نسب‌نامه‌ها و تاریخ، صفحه‌ی ۱۱۷)

۲۰۰.

گزینه‌ی «۱»

در دوران کنونی، تاریخ به صورت یک رشته‌ی مستقل علمی در کشور مطرح گشته است و بنابر تقسیم‌بندی و تخصصی شدن علوم، تاریخ نیز روش‌ها و بینش‌های ویژه‌ی علمی خویش را یافته است. اکنون توجه به جنبه‌های تازه در تار تاری نگاری سبب دلبستگی پاره‌ای از مورخان به تاریخ‌نویسی علمی شده است. این شیوه مستلزم دگرگونی در «روش و بینش مورخ» است.

(مورخان و تاریخ ایران، صفحه‌ی ۱۶۵)

۲۰۶

گزینه‌ی «۱»

به آن دسته از زبان‌های دنیا که «یک ریشه‌ی اصلی دارند»، خانواده‌ی زبانی می‌گویند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۳»: گروه زبان‌های هند و اروپایی، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین گروه‌های زبانی دنیاست.

(نوامی انسانی چگونه پدید می‌آید؟، صفحه‌ی ۱۵)

۲۰۷

گزینه‌ی «۱»

«فشرده‌ی و بسته‌شدن صفحات»، سبب کوچک شدن فضای چاله‌ی بین دو صفحه می‌شود. لذا مواد و لایه‌های انباشته شده در کف چاله بالا می‌آیند و کوه‌های جوان چین‌خورده را به وجود می‌آورند. رشته‌کوه‌های «آند»، هیمالیا، زاگرس و ... به همین شکل به وجود آمده‌اند.

رشته‌کوه آند به علت فشرده‌ی و بسته شدن «صفحه‌ی قاره‌ای آمریکای جنوبی» و «صفحه‌ی اقیانوسی نازکا» به وجود آمده است.

هم‌چنین، به شکل‌های «۱۳ و ۱۵» و توضیحات مربوط به آن‌ها در صفحه‌های ۴۸ و ۵۰ کتاب درسی توجه کنید.

(با کوهستان آتش‌شوم، صفحه‌های ۴۸ و ۵۰)

۲۰۸

گزینه‌ی «۲»

در نواحی قطبی، سرمای شدید باعث «فشار زیاد هوا» و «کاهش میزان بخار آب» موجود در جو (اتمسفر) می‌شود؛ در نتیجه، در این نواحی، میزان بارندگی کم است.

(ویژگی‌های طبیعی نواحی قطبی، صفحه‌ی ۸۶)

۲۰۹

گزینه‌ی «۳»

روستاهای میدان‌گاهی، سکونتگاه‌هایی هستند که مرکز آن را میدان‌گاه یا مکان عمومی مثل مسجد، کلیسا، مدرسه یا مرتع اشتراکی تشکیل می‌دهد و خانه‌ها گرداگرد آن قرار می‌گیرند. در حاشیه‌ی صحرای بزرگ آفریقا و جنگل‌های آمازون، این‌گونه روستاها فراوان‌اند؛ به عنوان مثال، «در سکونتگاه قبیله‌ی ماسایی، کلبه‌ها به صورت دایره‌ای بزرگ نظام یافته‌اند و دور تا دور آن‌ها را خار و بوته فرا گرفته است».

توضیح نکته‌ی درسی:

در این سکونتگاه‌ها، دام‌ها در داخل سکونتگاه جای داده می‌شوند.

(سکونتگاه‌های شهری و روستایی چگونه پدید می‌آیند؟، صفحه‌ی ۱۱۶)

۲۱۰

گزینه‌ی «۴»

بازتاب قدرت حکومت‌ها را در دو مورد می‌توان جست‌وجو کرد: ۱- حاکمیت ملی (توانایی حکومت‌ها برای رسیدن به نتایج مطلوب در امور داخلی) ۲- سیاست خارجی (روابط خارجی با سایر کشورها)

توضیح نکته‌ی درسی:

هر حکومتی که دایره‌ی نفوذش از مرزهای خود و منطقه‌ای که در آن واقع است، فراتر رود، نسبت به حکومت‌های دیگر قدرت بیش‌تری دارد.

(قدرت ملی و منطقه‌ی ملی، فارس، صفحه‌ی ۱۵۱)



جغرافیا-کنکور سراسری ۹۱

نگارش پاسخ: فاطمه سخایی

۲۰۱

گزینه‌ی «۲»

تصاویر (عکس‌های) هوایی که به وسیله‌ی هواپیما تهیه می‌شوند، به دلیل دید همه‌جانبه‌ای که به دست می‌دهند، بسیار مفیدند. امروزه در احداث جاده‌های بین شهری، حفر تونل‌ها، جنگل‌کاری‌های مصنوعی، تعیین محدوده‌ی پارک‌های وحش، تأسیس سدها و قبل از هر کار عمرانی دیگری در سطح وسیع، از این تصاویر استفاده می‌کنند.

(مطرافیه، علمی برای زندگی، صفحه‌ی ۹)

۲۰۲

گزینه‌ی «۲»

استعمارگران اروپایی از آغاز قرن نوزدهم، در نواحی استوایی، مزارع قهوه و کائوچو ایجاد کردند و «چون صدور این محصولات سود زیادی داشت»، این امر سبب شد که بخشی از جنگل‌های استوایی از بین برود و به مزارع استعماری تبدیل شود.

(اهمیت و نقش جنگل‌ها، صفحه‌ی ۵۴)

۲۰۳

گزینه‌ی «۳»

برخی از کشورهای ساحلی از جمله هلند، به علت هم‌سطح بودن با دریا، دائماً در معرض خطر سیلاب‌های ساحلی هستند.

توضیح نکته‌ی درسی:

در چند سال گذشته، به دلایل مختلف از جمله گرم‌تر شدن کره‌ی زمین و ذوب یخ‌های قطبی، سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها بالا آمده است.

(انسان و مخاطرات طبیعی، صفحه‌ی ۹۱)

۲۰۴

گزینه‌ی «۴»

امروزه رشد سریع جمعیت در همه‌ی نواحی جهان یکسان نیست، به طوری که در کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی علاوه بر مرگ و میر، میزان مولید نیز کاهش یافته است. حتی در برخی از کشورهای صنعتی اروپا نظیر آلمان، «فلاند» سوئد، اسپانیا و دانمارک، نرخ رشد به صفر یا پایین‌تر از آن رسیده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

کشورهای در حال توسعه که اغلب انفجار جمعیت را تجربه می‌کنند، با پدیده‌ی جوانی جمعیت روبه‌رو هستند و تعداد فعالان اقتصادی در آن‌ها کم است.

(پراکندگی و رشد جمعیت، صفحه‌ی ۱۱۸)

۲۰۵

گزینه‌ی «۳»

به علت نیاز به شناسایی محیط زندگی و برنامه‌ریزی برای آینده‌ی این محیط و مردم ساکن آن، جغرافی‌دانان نیز وارد میدان «مطالعات اقتصادی، اجتماعی» شده‌اند. به همین علت، از گذشته‌های دور تاکنون، بین جغرافیا و مطالعات توسعه، ارتباطی قوی وجود داشته است.

(مطرافیه، جغرافی‌دانان و توسعه‌ی پایدار، صفحه‌ی ۱۵۵)

۲۱۵. گزینه‌ی «۱»

در برنامه‌ی آمایشی، همواره باید «آینده‌نگری» مورد توجه باشد؛ به‌عنوان مثال، با توجه به رشد جمعیت در یک منطقه و توسعه‌ی اقتصادی آن، محدودیت شبکه‌های ارتباطی و توسعه‌ی حمل و نقل برای سال‌های آینده مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

(نقش جغرافیا در مدیریت محیط، صفحه‌ی ۱۱۱)

۲۱۱. گزینه‌ی «۴»

هر یک از پدیده‌های پیرامون یک شهر، مانند آب و هوا، راه‌های ارتباطی و ... کارکرد خاصی دارند و جغرافی‌دانان برای شناخت نقش سیستم‌های فضایی شهر، کارکرد تک‌تک پدیده‌های پیرامونی را بررسی و مطالعه می‌کنند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: در روش پژوهش توصیفی، پژوهشگر با بررسی وضع موجود، ویژگی‌ها و صفات پدیده و متغیر را مشخص می‌کند. هم‌چنین پژوهش هم‌بستگی برای مطالعه‌ی میزان تغییرات در یک یا چند عامل در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر به‌کار می‌رود.

گزینه‌ی «۲»: پژوهش بنیادی، به‌منظور کشف اصول و قوانین کلی حاکم بر روابط پدیده‌ها انجام می‌شود.

گزینه‌ی «۳»: در شناخت تکوینی، به نحوه‌ی شکل‌گیری و پیدایش یک شهر و چگونگی توسعه‌ی آن در مراحل مختلف تاریخی توجه می‌شود.

(ماهیت و قلمرو دانش جغرافیا، صفحه‌ی ۱۷)

۲۱۲. گزینه‌ی «۱»

امروزه ماهواره‌های متعددی «در ارتفاعات متفاوت به‌طور مداوم از سطح زمین تصویربرداری کرده» و داده‌های خود را به ایستگاه‌های زمینی مخابره می‌کنند. این اطلاعات به «پردازش» نیاز دارد. تصاویر ماهواره‌ای «دید ترکیبی» به‌دست می‌دهند؛ زیرا اجزای گوناگون یک محیط را یک‌جا و به‌هم‌پیوسته به نمایش می‌گذارند.

توضیح نکته‌ی درسی:

از دستگاه‌های فتوگرامتری برای تبدیل «عکس‌های هوایی» به نقشه استفاده می‌شود.

(نقشه و فرآیند تهیه‌ی آن / ترکیبی از ۱۰ صفحه‌ی کتاب جغرافیای (۱) و صفحه‌های ۳۷ و ۳۸ جغرافیای پیش‌دانشگاهی)

۲۱۳. گزینه‌ی «۴»

دره‌ها و هم‌چنین یال‌ها از مهم‌ترین پدیده‌ها در مناطق کوهستانی هستند. «دره‌ها» و «آبراهه‌ها در نقشه‌های ناهمواری روی منحنی میزان، به شکل «عدد ۸» و یال‌ها و پشته‌ها به شکل عدد ۷ دیده می‌شود. در دامنه‌ی کم‌شیب، منحنی‌های میزان از یک‌دیگر فاصله دارند و برعکس، در «دامنه‌های پرشیب»، منحنی‌های میزان «بسیار فشرده» و به هم نزدیک‌اند.

(نمایش شکل (مپن، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۱۴. گزینه‌ی «۲»

در «سیستم غیرفعال»، سنجنده منبعی برای ارسال انرژی ندارد و برای سنجش میزان انرژی بازتاب شده از پدیده‌ها، از «انرژی خورشیدی» استفاده می‌کند.

توضیح نکته‌ی درسی:

وقتی امواج نور خورشید به اشیاء و آب‌ها، جنگل‌ها و ... می‌تابد، انرژی مشخصی از هر پدیده بازتاب می‌شود.

(سنشش از دور، صفحه‌ی ۸۳)

۲۲۰. گزینه‌ی «۴»

«بخشی» از هویت ما را نقش‌هایی می‌سازند که به ما نسبت داده می‌شوند یا ما آن‌ها را برعهده می‌گیریم.

هویت فرد به نقش‌ها و عضویت گروهی وابسته است. تا آن‌جا که اگر او نقش جدیدی را بپذیرد و عضو گروه تازه‌ای شود، هویتش «تغییر می‌کند».

(هویت ما چگونه ساخته می‌شود و تغییر می‌کند، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۴)

۲۲۱. گزینه‌ی «۱»

موقعیت‌ها، امکان‌های متفاوت و متنوعی را برای فعلیت بخشیدن به خود و شناخت آن فراهم می‌کنند. اگر فرد در موقعیت‌هایی قرار گیرد که امکان فعالیت چندانی نداشته باشد، به تدریج خود را منفعل و مجبور تصور می‌کند اما اگر «در موقعیت‌هایی قرار گیرد که بتواند فعال باشد و بر موقعیت اثر بگذارد» (نه در همه‌ی موقعیت‌ها)، خود را فعال خواهد شناخت.

در زمان گفت و گو، افراد و گروه‌ها به‌رغم همه‌ی استدلال‌هایی که ارائه می‌شود، «می‌توانند» از قبول سخن طرف مقابل سرباز زنند. در این حالت، گفت و گو به سمت نوعی زورآزمایی میل می‌کند و در این زورآزمایی، طرفی که توانایی پیش‌تری دارد، می‌تواند حرف خود را به کرسی بنشاند.

(نقش «موقعیت» و «دیگران» در هویت‌یابی ما چیست، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۲۲۲. گزینه‌ی «۲»

یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه‌ی جوامع، تأکید جوامع بر «خلاقیت و نوآوری» به‌عنوان یک ویژگی مهم برای تعریف خود است. در این جوامع، «کارآفرینی» به‌عنوان یک ویژگی مهم برای تعریف خود شناخته می‌شود و در «ارزش‌ها و باورهای جامعه»، تفاوتی مهم و متمایزکننده به‌حساب می‌آید.

(بهتر است خود را با کدام ویژگی‌ها تعریف کنیم، صفحه‌ی ۲۵)

۲۲۳. گزینه‌ی «۱»

همانند تعلق، افراد در داشتن تعهد به یک ویژگی (هویت) نیز با هم تفاوت «دارند»، بعضی نسبت به ویژگی‌ای که خود را با آن می‌شناسند، تعهد زیادی دارند اما در بعضی، این تعهد کم است یا نسبت به آن ویژگی، تعهدی ندارند.

ایرانی، نمونه‌ی فردی است که بیش‌ترین «تعهد» را به ایرانی بودن و مای ملی دارد.

معمولاً با افزایش تعلق افراد به یک ویژگی، تعهد به آن نیز افزایش می‌یابد. اما این امر همیشه صادق نیست.

به احتمال زیاد، درصد تعلق زیاد به یک موضوع بیش از میزان تعهد زیاد به آن است.

(ایران را چه قدر دوست داریم و در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنیم، صفحه‌ی ۴۶)

۲۲۴. گزینه‌ی «۱»

قسمت اول: می‌توان گفت که افراد، فراتر از مزایایی که لازمه‌ی ایفای نقش آن‌هاست، به مزایایی دست می‌یابند که اگر چه نتیجه‌ی فعالیت آن‌ها در نقش‌های اجتماعی است، به‌دلیل وجود «هنجارها» فراتر از آن تداوم می‌یابد و افراد می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. بهره‌مندی افراد از این

علوم اجتماعی کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: آذر محمودی

۲۱۶. گزینه‌ی «۳»

امروزه در اکثر کشورها، حاکمان در نقش دولت انجام وظیفه می‌کنند، اما همه‌ی آن‌ها اختیارات یکسانی «ندارند» (به‌عنوان مثال، بعضی از آن‌ها هنوز حقوق سلطان و امپراتور را دارا هستند). در مقابل، اگر به فرمانبران، شهروند گفته می‌شود، «به‌معنای آن نیست که در همه‌ی کشورها، شهروندان از حقوق یکسانی برخوردارند».

(درباره‌ی نقش پیش‌تر بدلیل، صفحه‌های ۵ و ۶)

۲۱۷. گزینه‌ی «۳»

در محیطی که نقش‌ها تغییر کرده‌اند، مانند خانواده‌ای که یکی از والدین فوت کرده یا اداره‌ای که ساختار تشکیلاتی آن تغییر کرده است، به‌رغم آموزش و اطلاع قبلی نسبت به وظایف نقش‌های خود، ممکن است فرد تا مدتی به‌دلیل «عدم اطلاع کافی از وظایف نقش خویش» و حقوق نقش‌های دیگر، نتواند به‌خوبی ایفای نقش کند.

فردی که یک نقش شغلی را می‌پذیرد اما درباره‌ی آن آموزش خاصی ندیده است، به‌دلیل «عدم آشنایی عمیق با وظایف آن نقش»، با افرادی که در نقش‌های مرتبط با آن نقش فعالیت می‌کنند، دچار اختلاف می‌شود. شخصی که بدون آشنایی با اصول مدیریت و وظایف سازمانی - و به عبارت دیگر، بدون «شایستگی» - سمت مدیریت را می‌پذیرد، با رفتار خود ممکن است موجب نارضایتی کارمندان زیردست و ارباب رجوع، اختلاف در اداره و عدم کارایی بخش خود شود.

(افراد در چه شرایطی نقش خود را به‌خوبی ایفا نمی‌کنند؟ و اگر افراد نقش خود را به‌خوبی ایفا نکنند، چه می‌شود، صفحه‌های ۲۱، ۲۲ و ۲۳)

۲۱۸. گزینه‌ی «۲»

سرمایه‌دار زمانی که با خیل عظیمی از کارگران مواجه باشد، سعی می‌کند از عرض‌های زیاد نیروی کار حداکثر استفاده را ببرد و به همین جهت، مزایا و دستمزدی که برای کارگر در نظر می‌گیرد، به حد بخور و نمیر تقلیل می‌یابد. متقابلاً کارگران که از این مسأله زیان می‌بینند، تلاش می‌کنند که با تشکیل اتحادیه به چانه‌زنی بر سر دستمزد خود بپردازند. در صورتی که این گفت‌وگو به ثمر نرسد، اعتصاب راه حل دیگری برای افزایش مزایای خود از ثروت است. در مقابل این اقدام، ممکن است سرمایه‌دار نیز «با استفاده از نفوذ خود در دولت و جلب نظر سیاستمداران به سرکوب کارگران بپردازد»؛ رهبران اعتصاب را دستگیر و عده‌ای از آن‌ها را از کارخانه اخراج کند و ...

(چرا مزایای اجتماعی به‌صورت نابرابر تقسیم می‌شوند، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۱۹. گزینه‌ی «۳»

این امر که افراد هوشمندتر باید از احترام، قدرت و ثروت بیش‌تری برخوردار شوند، «هنجاری اجتماعی» است که در «بعضی جوامع» پذیرفته شده است و مبنایی است که افراد بر اساس آن می‌توانند به مزایایی فراتر از آن چه لازمه‌ی ایفای نقش آن‌هاست، دست یابند.

(برابری یا نابرابری، صفحه‌ی ۸۰)

۲۲۸. گزینه‌ی «۳»

«امپراتوری» را می‌توان شبیه‌ترین واحد اجتماعی به نظام اجتماعی دانست. امپراتوری، خلیفه، شاهنشاه، خاقان و ... در رأس امپراتوری قرار داشت. نخستین فرد هر سلسله، با اتکا به قدرت نظامی به قدرت می‌رسید و توسط «گروهی از اشراف» (نه افراد مسلح) حمایت می‌شد. سمت وی معمولاً به فرزندان او می‌رسید. او امپراتوری را توسط اشراف هم‌پیمان یا حاکمان وفادار به خود اداره می‌کرد.

(نظام جهانی، صفحه‌های ۴، ۵ و ۹)

۲۲۹. گزینه‌ی «۴»

در گذشته، هرگاه امپراتوری‌ای تشکیل می‌شد، «صنعتگران» را از گوشه و کنار فرا می‌خواند اما همین که امپراتوری رو به افول می‌گذاشت، صنعت هم رونق خود را از دست می‌داد. اما در شهرهایی که حیات آن‌ها به تجارت و صنعت وابسته بود، رشد صنعت از «سود و سرمایه‌ای که در اختیار بورژوازی قرار داشت»، متأثر می‌شد.

(تکوپن نظام جهانی، صفحه‌ی ۱۷)

۲۳۰. گزینه‌ی «۴»

برخلاف «امپراتوری‌ها» که واحدهای اجتماعی تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها از نظر اقتصادی تا حد زیادی «خودبسنده» بودند و فقط بخشی از مازاد خود را در قالب مالیات و ... در اختیار حکومت مرکزی قرار می‌دادند، در «مستمره‌ها»، ضمن این که مازاد توسط حکومت به زور تصرف می‌شد، «اقتصاد آن‌ها نیز دگرگون می‌گردید»؛ زیرا مجبور بودند مواد مورد نیاز اقتصاد کشورهای اروپایی را تولید کنند.

(گسترش جغرافیایی نظام جهانی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۲۳۱. گزینه‌ی «۳»

به نظر می‌رسد که این سؤال دارای دو بخش است که در بخش اول، سؤال، موردی را می‌خواهد که از اهداف «دولت‌ها» در جهت تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی است و در بخش دوم، موردی را مد نظر دارد که از علل سرمایه‌گذاری «سرمایه‌داران» (غیر از دولت‌ها) در کشورهای دیگر است. با این وصف، گزینه‌ی «۳» صحیح است؛ زیرا در بخش اول این گزینه، «نزدیکی به محل فروش و مصرف تولیدات کارخانه‌ها» از اهداف دولت‌ها در زمینه‌ی تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی نیست و بخش دوم این گزینه نیز، علل سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران در سایر کشورها را بیان نموده است.

(جهانی شدن اقتصاد، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

۲۳۲. گزینه‌ی «۱»

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با کوتاه‌کردن فاصله‌ها و در نتیجه، نزدیک‌تر کردن راه‌های دور، امکان تعامل افراد را از فاصله‌ی زیاد در زمانی کوتاه فراهم آورده و موجب فشرده شدن زمان و مکان برای آن‌ها شده‌اند.

فناوری ارتباطی جدید، امکان شکل‌گیری گروه‌ها و ماهایی را فراهم آورده است که به حضور در مکان واحد نیاز ندارند. فناوری جدید، فضایی را

نوع مزایا نابرابر است. البته برخلاف نابرابری مزایا به دلیل «تقسیم کار و تفاوت نقش‌ها»، این نوع نابرابری (یعنی نابرابری به دلیل هنجارها)، لازمه‌ی تداوم حیات اجتماعی نیست و در بسیاری از موارد از عوامل اختلاف و ازهم پاشیدگی زندگی اجتماعی محسوب می‌شود.

قسمت دوم: بر عهده گرفتن نقش‌ها، «یکی از مهم‌ترین» (نه لزوماً مهم‌ترین) راه‌های برخورداری از مزایا محسوب می‌شود.

(نابرابری یا نابرابری، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

(در جامعه مزایا بر چه مبنایی توزیع می‌شوند؟، صفحه‌های ۵۸ و ۶۰)

۲۲۵. گزینه‌ی «۴»

در جوامع لیبرال، سهم جامعه یا دولت از ثروت تولید شده، اندک است، بنابراین، «باید سهم جامعه را افزایش داد» و این امکان را در اختیار دولت گذاشت تا با سهم بیش‌تری از ثروت که در اختیار آن قرار می‌گیرد، بخش‌های محروم‌تر جامعه را تقویت کند و سطح زندگی آن‌ها را بهبود بخشد. در این نوع جوامع، سهم جامعه از ثروت تولید شده، معمولاً به صورت «مالیات» در اختیار دولت قرار می‌گیرد. و دولت، بخشی از مالیات اخذ شده را برای «بهبود وضع تولید» و ایجاد شرایط تولید بیش‌تر و بخشی را برای بهبود بخشیدن به زندگی «بخش‌های محروم‌تر جامعه» (نه همه‌ی آحاد جامعه) صرف می‌کند.

(تراکم ثروت چگونه شکل می‌گیرد؟، صفحه‌ی ۷۵)

۲۲۶. گزینه‌ی «۲»

احساس بی‌قدرتی و بی‌اعتنا شدن نسبت به آنچه در عرصه‌ی سیاسی می‌گذرد، به تدریج به بیگانگی از نظام سیاسی می‌انجامد. افراد «به عرصه‌ی محدود زندگی شخصی، خانوادگی و شغلی خود محدود می‌شوند» و با حکومت، به عنوان بیگانه‌ای برخورد می‌کنند که باید خود را از مزاحمت و شر آن مصون نگه داشت.

تراکم قدرت در یک یا چند نقش در نظام سیاسی، موجب «کاهش سهم سایر نقش‌های سیاسی از قدرت» می‌شود.

تراکم قدرت در بعضی از نقش‌ها، سبب می‌شود تا افرادی که از قدرت «محروم» هستند (نه لزوماً افرادی که قدرت کم‌تری دارند)، به‌طور مداوم خود را در معرض تهدید آن قدرت بدانند و به اضطراب و ترس دچار شوند.

(تراکم قدرت چه پیامدهایی دارد؟، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۲۲۷. گزینه‌ی «۱»

تمهید دیگری که در مردم‌سالاری برای جلوگیری از تراکم قدرت در نظر گرفته می‌شود، «محدودیت در زمان تصدی نقش‌ها» بی‌است که کنترل زیادی بر نقش‌های دیگر دارند و این امر، غیر از تفکیک قوا و کارکردهای آن است.

(در چه شرایطی تراکم قدرت در نظام اجتماعی کاهش می‌یابد؟، صفحه‌های ۹۳ و ۹۴)

فراهم می‌آورد که افراد در آن می‌توانند خود را با دیگران مقایسه کنند، شباهت و تفاوت‌های خود را با دیگران بشناسند، تشکیل «ما» دهند و تأیید دیگران را هم در این فضا بگیرند.

گسترش فناوری ارتباطی، امکان کنترل آن‌ها را بر فرهنگ، هویت‌یابی و اعضای آن‌ها کاهش می‌دهد، در مقابل، این امکان را نیز برای افراد فراهم می‌آورد که بتوانند در عین زیستن در قلمروی سرزمینی یک دولت - ملت، در جهان زندگی کنند.

(دهکده‌ی جهانی (۱)، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۲۳۳. گزینه‌ی «۲»

در کنار ساختار اقتصادی مرکز - پیرامون، که به برخورداری و تراکم مزایا در کشورهای مرکز می‌انجامد، باید به شرایط «سیاسی»‌ای اشاره کرد که کشورهای مرکز برای «حفظ مزایا و ممانعت از تغییر شرایط» ایجاد کرده‌اند و آن، ایجاد انحصارهای پنج‌گانه است. دولت‌های مرکز که زمانی در قالب «استعمار و حمایت از شرایط تجارت تعرفه‌ای»، به حفظ و تداوم رابطه‌ی مرکز و برتری کشور خود بر دیگران کمک می‌رساندند، امروزه با ایجاد انحصار در اموری که می‌توانند به تغییر شرایط و جایگاه آن‌ها بینجامد، در جهت حفظ وضع موجود عمل می‌کنند.

(لایبراری در نظام جهانی (۲)، صفحه‌ی ۸۴)

۲۳۴. گزینه‌ی «۴»

در سند امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم، درباره‌ی خاور نزدیک بزرگ چنین اظهار نظر شده است: «مکانی با بزرگ‌ترین منبع سوخت فسیلی و نیز قدرت‌های جاه‌طلب بی‌شماری که برای به‌دست آوردن برتری منطقه‌ای تلاش می‌کنند. خاور نزدیک بزرگ، سرزمینی است که ایالات متحده در آن هم‌پیمانان کلیدی و منافع مهم دارد و نیز جنگ افزارهای کشتار جمعی در آن در حال گسترش است...». بر این اساس، آمریکا برای حفظ سلطه‌ی خود تلاش می‌کند تا بر این منطقه مسلط شود و قدرت‌های جاه‌طلب این منطقه را کنترل کند. در این میان، «ایران» یکی از این قدرت‌هایی است که تلاش می‌کند به یک «قدرت منطقه‌ای» (نه جهانی) تبدیل شود. ضمن این که ایران خاستگاه اسلام انقلابی یا اسلام مبارز نیز هست که از نظر آمریکا یک خطر محسوب می‌شود.

(بازی در نظام جهانی، صفحه‌ی ۹۵)

۲۳۵. گزینه‌ی «۲»

از جمله پاداش‌های پیشنهادی سه کشور اروپایی، حمایت «سیاسی» (نه اقتصادی) از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بود.

(روش‌ها و وسایل دست‌یابی به اهداف، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰)

۲۴۰. گزینه‌ی «۴»

در «تقابل»، موضوع و محمول دو قضیه، یکی است و تقابل، خود بر چهار قسم است که عبارت‌اند از: تضاد، تناقض، تداخل و تداخل تحت تضاد که در سه قسم (تضاد، تناقض و تداخل تحت تضاد)، نسبت قضیه‌ها متفاوت‌اند و در دو قسم (تناقض و تداخل)، سور قضایا متفاوت است.

(ملطق، صفحه‌های ۴۵ و ۴۶)

۲۴۱. گزینه‌ی «۳»

می‌دانیم که عقلاً تمام حالاتی که ممکن بوده، در اشکال مختلف (۴ شکل) قیاس اقترانی جمع‌آوری شده و جز همین چهار شکل، حالت دیگری قابل تصور نیست؛ یعنی هیچ حالت دیگری عقلاً ممکن نیست.

(ملطق، صفحه‌ی ۶۴)

۲۴۲. گزینه‌ی «۲»

اولین مرحله در اثبات برهان خلف این است که نقیض نتیجه را به‌دست آوریم و فرض کنیم که این نقیض درست است، بنابراین، این‌که در گزینه‌ی «۲» گفته شده: «در برهان خلف، مرحله‌ی اول این است که فرض کنیم نقیض یکی از مقدمات صحیح است»، مطلبی نادرست است.

(ملطق، صفحه‌ی ۶۸)

۲۴۳. گزینه‌ی «۱»

هدف در جدل، مغلوب کردن مخاطب و قانع کردن اوست و در جدل محتوایی به‌کار می‌رود که طرف مقابل، آن را بپذیرد و وادار به سکوت شود.

(ملطق، صفحه‌های ۸۱ و ۸۴)

۲۴۴. گزینه‌ی «۴»

در مغالطه‌ی «در باز است، باز پرنده است» ← در پرنده است، حد وسط (باز) در هر دو مقدمه به یک معنا به‌کار نرفته است و اشکال در صورت استدلال است.

در مغالطه‌ی دوم که شکل دوم قیاس اقترانی است نیز شرایط انتاج رعایت نشده است (اشکال در صورت) و از سوی دیگر، هر تصدیقی، فکر نیست بلکه هر تصدیقی، «علم» است (اشکال در ماده).

در مغالطه‌ی «بعضی از انسان‌ها وظیفه‌شناس نیستند» ← بعضی از وظیفه‌شناس‌ها انسان نیستند، شرایط عکس مستوی رعایت نشده است؛ زیرا سالبه‌ی جزیی عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

(ملطق، صفحه‌های ۵۱، ۸۷ و ۸۸)

۲۴۵. گزینه‌ی «۴»

فیزیک‌دانان و شیمی‌دانان در پی آن هستند که به «قوانین» طبیعت دست پیدا کنند و از این رو، به روش تجربی اعتماد می‌کنند. کاربرد مفاهیمی مثل فلز، رادیم، اشعه‌ی رادیواکتیو و ... اموری واقعی در طبیعت هستند (اصل واقعیت داشتن جهان) و بیان این مفاهیم در قالب یک قانون فیزیکی، «یکنواخت عمل کردن طبیعت» نشان می‌دهد.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۴ و ۴۶)

فلسفه و منطق - کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: ندا یاری

۲۳۶. گزینه‌ی «۳»

تعریف مثلث به «سه پاره‌خط که یک‌دیگر را در سه نقطه قطع می‌کنند»، تعریفی «بی‌ربط» است، زیرا سه پاره‌خط می‌توانند طوری هم‌دیگر را قطع کنند که تشکیل یک مثلث ندهند.

تعریف فعل به «کلمه‌ای که انجام کاری یا وقوع حالتی را بیان می‌کند»، تعریف به اعم است و شامل تعریف «مصدر» نیز می‌شود، پس «مانع نیست».

تعریف تصور به «یکی از اقسام فکر» نیز تعریفی «بی‌ربط» است، زیرا تصور از اقسام «علم و ادراک» است نه از اقسام فکر.

(ملطق، صفحه‌های ۹۶ و ۱۱)

۲۳۷. گزینه‌ی «۲»

در عبارت «چیز استوانه‌ای شکل سبز رنگ»، چیز همان «جوهر» است که «جنس‌الاجناس» می‌باشد و جنس عالی مفهوم استوانه‌ای شکل، «مقدار» است.

(ملطق، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۳۸. گزینه‌ی «۱»

گاهی انسان به‌جای تعریف یک مفهوم، آن مفهوم را معنی کرده و شرح می‌دهد. این‌ها تعریف حقیقی نیستند و در منطق به آن «شرح اسم» می‌گویند و بعضی مفاهیم اصلاً قابل «تعریف» نیستند؛ مثل «چیز»، «هستی» و یا «وحدت».

(ملطق، صفحه‌ی ۲۸)

۲۳۹. گزینه‌ی «۲»

قضیه‌ی «فکر یا تعریف است یا استدلال»، قضیه‌ی «شرطی منفصل حقیقی» است؛ زیرا هم درست بودن دو طرف قضیه محال است و هم غلط بودن هر دو آن‌ها.

قضیه‌ی «ماده‌ی قضیه یا تجربی است یا تاریخی»، قضیه‌ی «شرطی منفصل مانعة‌الجمع» است؛ زیرا محال است ماده‌ی قضیه هم تجربی باشد و هم تاریخی، اما می‌تواند نه تجربی باشد و نه تاریخی (به‌عنوان مثال: حسی و ... باشد) و یا این‌که یا تجربی باشد و یا تاریخی.

قضیه‌ی «انسان یا به اندازه‌ی کافی تلاش نمی‌کند یا موفق می‌شود»، قضیه‌ی «شرطی منفصل مانعة‌الخلو یا مانعة‌الرفع» است که درست برعکس قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة‌الجمع است.

(ملطق، صفحه‌های ۴۰ و ۴۶)

۲۵۱. گزینه‌ی «۴»

باید دقت کرد که در صورت سؤال گفته شده است: «لزوماً انتظار شادابی و رشد این نهال را داریم، پس به «ضرورت علی» اشاره دارد که تخلف‌ناپذیر و حتمی است. هم‌چنین «انتظار داشتن» در صورت سؤال، بیانگر «باور ناخودآگاه ذهن انسان» نسبت به این اصل است.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۳۹)

۲۵۲. گزینه‌ی «۱»

«اصل سنخیت» بیان می‌کند که میان هر علت با معلول خودش، سنخیت و مناسبت خاصی حکم‌فرماست که میان یک علت و معلول دیگر نیست. حکما این بحث را در فلسفه تحت قاعده‌ی «الواحد» (از علت واحد به غیر از معلول واحد صادر نمی‌شود) بیان داشته‌اند و ابیات جهان چون خط و خال و چشم و ابروست / که هر چیزی به جای خویش نیکوست اگر یک ذره را بر گیری از جای / خلل یابد همه عالم سراپای اشاره به این اصل و قاعده دارند.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۳۴)

۲۵۳. گزینه‌ی «۳»

قوانین علمی همواره بیان‌کننده‌ی یک رابطه‌ی «کلی و ضروری» بین دو پدیده‌اند و نه تنها موارد تجربه شده بلکه موارد تجربه نشده را نیز دربرمی‌گیرند و کلیت و ضرورت را تنها می‌توان در «اصول عقلانی» جست‌وجو کرد و نه در آزمون‌های تجربی.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

۲۵۴. گزینه‌ی «۴»

بیت «غیر این عقل تو حق را عقل‌هاست / که بدان تدبیر اسباب سماست» به جهان‌شناسی مشایی بر وساطت موجودات مجرد در جهان اشاره دارد که بر این اساس، در نظام جهان، مجردات هم فیض هستی را از واجب‌الوجود به عالم طبیعت منتقل می‌کنند و هم واسطه‌ی تکامل موجودات و رسیدن آن‌ها به اهداف و غایات وجودی‌شان هستند.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

۲۵۵. گزینه‌ی «۱»

در رساله‌های عرفانی ابن‌سینا، «عالم مجردات را که جهان انوار ملکوتی است» به شرق و «زمین (جهان طبیعت) و عرصه‌ی دگرگونی و آینده از ظلمت و تاریکی» به غرب تشبیه شده است و او، «سیر درونی نفس» را به پرواز یک پرند تشبیه کرده است و رسیدن به کوه قاف یعنی عارف سفر خود را به پایان رسانیده و از قلمرو ماده گذشته است و گویی در وصال عارف با حق، «همه‌ی جهان و تمام مراتب وجود بار دیگر به اصل خود باز می‌گردد».

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۲۴۶. گزینه‌ی «۳»

از سرزمین یونان به‌عنوان «مهد تفکر فلسفی» یاد می‌شود؛ یعنی جایی‌که فلسفه در آن‌جا رسمیت یافت و «زبان رمز و افسانه در تفسیر جهان جای خود را به زبان تعقل داد و نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده‌اند» از یونان باستان به یادگار مانده است اما آن‌چه بیش از هر چیز اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می‌داشت، «دگرگونی‌هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می‌داد».

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۴۷. گزینه‌ی «۴»

«نمی‌دانم» سوفسطائیان معنایی جز نمی‌توانم بدانم، در برداشت اما «نمی‌دانم» سقراط طوفانی است در کاشانه‌ی سوفسطائیان تا آن‌ها را از مستی غرور بیدار کند و از اسارت چهل مرکب آزاد سازد و در واقع آوای خویش‌شناسی و درس‌آگاه شدن از گوهر تابناک انسانیت را که در درون هر انسانی نهفته است، در تاریخ اندیشه‌ی بشر طنین‌انداز کند.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌ی ۳۶)

۲۴۸. گزینه‌ی «۲»

پروتاگوراس درباره‌ی شناسایی می‌گوید: «آدمی مقیاس همه‌چیز است، مقیاس هستی آن‌چه هست و این‌که چگونه است و مقیاس نیستی آن‌چه نیست و چگونه نیست.» یعنی آن‌چه حواس هر کسی گواهی می‌دهد، «برای خود او» عین حقیقت (درست) است.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۱۸، ۱۹ و ۴۰)

۲۴۹. گزینه‌ی «۳»

بیت ذکر شده در صورت سؤال، از اشعار «میرفندرسکی» - از طرفداران نظریه‌ی مُثُل - است. از دیدگاه طرفداران نظریه‌ی مُثُل و افلاطون، باید طایر عقل، پرو بال بگشاید و از حد طبیعت فراتر رود و در جهانی پنهان و با شکوه به پرواز درآید و در آن‌ها واقعیت‌هایی را مشاهده کند که رنگ تغییر و بی‌ثباتی بر چهره‌ی آن‌ها نیست.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۴۵ و ۴۶)

۲۵۰. گزینه‌ی «۳»

با توجه به بیت «نبینی باغبان چون گل بکارد / چه مایه غم خورد تا گل برآرد»، علت فاعلی (درونی) همان «طبیعت بذر» (طبیعت جسم) است. علت صوری همان فعلیت گل است که در هر مرحله از مراحل پیدایش از خود نشان می‌دهد. خود «بذر»، علت مادی محسوب می‌شود و میل طبیعی که در درون بذر وجود دارد و او را به‌سوی شکوفایی هدایت می‌کند، «علت غایی» است.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۵۵ تا ۵۹)

۲۵۶. گزینه‌ی «۱»

سهروردی معتقد بود که حقیقت «امری واحد» و منسوب به منشأ واحد یعنی «ذات الهی» است و می‌گوید: حقیقت، خورشید واحدی است که به جهت کثرت مظاهرش تکثیر «نمی‌یابد»؛ شهر واحدی است که باب‌های کثیر دارد و «راه‌های فراوان به آن منتهی می‌شود».

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۷۷)

۲۵۷. گزینه‌ی «۱»

ابیات «نام فروردین نیارد گل به باغ / شب نگردد روشن از اسم چراغ»
«تا قیامت زاهد ار می کند / تا نوشد باده مستی کی کند»
اشاره به این دارد که چیزی که واقعیت آن برای ما آشکار و خود آن بدون واسطه در نزد ما حاضر باشد و به علم حضوری برای ما معلوم گردد، «معلوم بالذات» است اما چیزی که واقعیت آن نزد ما حاضر نباشد، بلکه تنها صورت ذهنی آن را در ذهن خود بیابیم و به واسطه‌ی صورت ذهنی از آن آگاه شویم، برای ما «معلوم بالعرض» خواهد بود.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴)

۲۵۸. گزینه‌ی «۲»

نگرش اصالت وجود به جهان، ریشه‌ی نیازمندی موجودات به علت را در حاق واقعیت یعنی «وجود و هستی» آن می‌جوید. موجودات عالم همه از حیث وجود خود، «ذات حق را نمایان می‌سازند» و از حیث نقص و نیاز خود «او را پنهان می‌کنند»؛
«جهان جمله فروغ نور حق‌دان / حق‌اندر وی ز پیدایی است پنهان»

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

۲۵۹. گزینه‌ی «۲»

در دیدگاه علامه طباطبایی، در نهاد انسان، گرایش به‌سوی خیر و نیکی وجود دارد که اگر به آن پاسخ مثبت داده شود، کمالاتی حقیقی برای انسان حاصل می‌شود. انسان با پیروی از تمایلات فطری خویش می‌تواند در مراتب وجود ارتقا یابد و سعه‌ی وجودی خود را گسترش دهد. این نوع نگرش نسبت به انسان و قبول استعدادها برای او در قلمرو «هست‌ها» جای دارد. در واقع، اعتقاد به فطرت انسان و این‌که ارزش‌های اخلاقی با ذات انسان تناسب و هماهنگی دارد، خود از جمله «ادراکات حقیقی» است و درست در همین جا، «ادراکات اعتباری» هم ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۱۲۰)

۲۶۰. گزینه‌ی «۱»

رابطه‌ی علیّت در اصل از طریق علم حضوری نفس به احوال و حالت‌ها و اراده‌های خود ادراک می‌شود و از «معلوم بالذات» نشأت می‌گیرد. رابطه‌ی وجوددهنده‌ی نفس با احوال درونی او نیز در ذهن منعکس می‌شود و این رابطه که آن را در درون خود و به «علم حضوری» (معلوم بالعرض) می‌یابیم، با انعکاس در ذهن به علم حصولی تبدیل می‌شود و به شکل «قاعده‌ی کلی» علیت درمی‌آید.

(فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۱۲۴ و ۱۲۵)

چون در متن سؤال، اشاره ای به استفاده‌ی عملی از یافته‌های پژوهش نشده و تنها هدف، بررسی میزان عملکرد حافظه‌ی دانش آموزان است؛ بنابراین از نوع «تحقیقات بنیادی» محسوب می‌شود.

از جمله حوزه‌های اصلی تحقیق در روان‌شناسی، حوزه‌ی «شناختی» است که پردازش اطلاعات در زمینه‌های توجه، «حافظه»، یادآوری، تفکر، زبان و حل مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد.

(کلیات، صفحه‌های ۱۳۴ و ۱۳۵)

۲۶۶. گزینه‌ی «۳»

یکی از ویژگی‌ها و مشخصات اصلی رشد این است که رشد، «یک فرایند مرحله‌ای، مداوم و پیوسته» است. متخصصان رشد عقیده دارند که ۱۲ سال اول زندگی، نقش مهمی در زندگی فرد ایفا می‌کند. در طول این دوره از زندگی، کودک در همه‌ی ابعاد رشد می‌کند و همواره در حال تغییر است. بدیهی است که دامنه‌ی تغییرات به دوره‌های بعدی زندگی نیز تعمیم می‌یابد. بنابراین، «هرگونه حادثه‌ای که در دوران کودکی اتفاق می‌افتد، فرایند رشد را در زندگی بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد». در نتیجه، رشد طی مراحل مختلف و مداوم صورت می‌گیرد و پیوستگی دارد.

(رشد، صفحه‌ی ۱۳۴)

۲۶۷. گزینه‌ی «۱»

یکی از ویژگی‌ها و مشخصات اصلی رشد، این است که در رشد «انعطاف‌پذیری» وجود دارد. انعطاف‌پذیری به معنای ظرفیت انسان برای تغییر در مقابل تجربیات مثبت یا منفی زندگی است. اگرچه رشد یک فرایند پیوسته و مداوم است و حوادث گذشته در پیدایش حوادث آینده نقش دارد، ولی متخصصان رشد معتقدند که بر اساس تغییرات گوناگون زندگی فرد، دوره‌ی رشد نیز می‌تواند به‌طور ناگهانی تغییر یابد. این انعطاف‌پذیری به انسان کمک می‌کند تا نقایص و اختلالات رشدی خود (نظیر مثال مطرح شده در صورت سؤال؛ پرخاشگری و مورد قبول دوستان نبودن در نتیجه‌ی آن) را مرتفع سازد.

(رشد، صفحه‌ی ۱۳۶)

۲۶۸. گزینه‌ی «۳»

پایزه تحقیقات متعددی را درباره‌ی درک کودکان در مورد مفاهیمی چون عدد، زمان، حجم، طول، سطح، مقدار و ... انجام داد و «در نهایت» به این نتیجه رسید که «کودکان همان‌گونه که رشد می‌کنند، در اثر تجربه، ساختارهای شناختی ساده‌ی خود را به ساختارهای شناختی پیچیده تبدیل می‌کنند».

توجه شود که سایر گزینه‌ها نیز از جمله عقاید و نظریات ژان پیاژه به‌شمار می‌روند اما عبارت «در نهایت» در صورت سؤال، به نتیجه‌ی نهایی یافته‌های پیاژه اشاره دارد که در گزینه‌ی «۳» بیان شده است.

(رشد، صفحه‌ی ۱۳۸)

۲۶۹. گزینه‌ی «۴»

طبق تصویر «۳-۲» در صفحه‌ی ۴۱ کتاب درسی، هر پدر و مادری می‌توانند چهار ترکیب احتمالی از کروموزوم‌های جنسی را به‌وجود آورند که به صورت‌های زیر است:

روان‌شناسی - کنکور سراسری ۹۱



۲۶۱. گزینه‌ی «۳»

برای رسیدن به جواب قطعی در نمونه‌ی داده شده در صورت سؤال، بایستی در اولین قدم، آن را خوب «توصیف» نماییم. اولین هدف در روان‌شناسی علمی، «توصیفی آزمون‌پذیر و تجربی» از پدیده‌های روان‌شناختی است، به گونه‌ای که امکان بررسی علمی آن‌ها امکان‌پذیر باشد. به همین دلیل، در پاسخ به موضوع یاد شده در صورت سؤال نیز در اولین قدم باید «توصیف کاملی از افراد عصبی» ارائه شود.

(کلیات، صفحه‌ی ۱۴)

۲۶۲. گزینه‌ی «۲»

اگر «پیش‌بینی دارای درجه‌ی بالایی از اعتبار» باشد، در آن هنگام، روان‌شناس می‌تواند رابطه‌ی بین علت و معلول را مورد توجه قرار دهد.

(کلیات، صفحه‌ی ۵)

۲۶۳. گزینه‌ی «۱»

«پس‌خوراند زیستی»، تکنیکی است که به افراد آموزش داده می‌شود تا فرایندهای جسمانی خود مانند تپش قلب و فشار خون را که پاسخ‌هایی خودکارند و معمولاً تحت کنترل ارادی فرد نیستند، مهار کنند. این تکنیک در «رویکرد رفتاری» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های «۲» و «۳»: «حساسیت‌زدایی تدریجی» از دیگر یافته‌های رویکرد رفتاری است که در آن، به تدریج و در فرایندی گام به گام، عامل ترس‌زا را به فرد ارائه می‌دهند که تا جایی که بتواند تماس واقعی و بدون اضطراب با آن داشته باشد.

(کلیات، صفحه‌ی ۱۳)

۲۶۴. گزینه‌ی «۲»

از جمله انتقادات وارده بر رویکرد انسان‌گرا عبارت است از: توجه رویکرد انسان‌گرا به تجربه‌ی شخصی افراد، با این اشکال روبه‌روست که تمام آن چیزی را که فرد از خود گزارش می‌دهد، نمی‌تواند همان چیزی باشد که آن‌ها را تجربه‌ی شخصی کرده است. (زیرا هر فرد سعی می‌کند بهترین تصویر را از خود ارائه دهد، هرچند که آن‌گونه نباشد). رویکرد انسان‌گرا، مبهم بوده و آزمایش‌پذیر نیست. نظریه‌ها در این رویکرد به گونه‌ای معرفی می‌شود که «امکان تأییدپذیری آن‌ها وجود ندارد».

(کلیات، صفحه‌ی ۱۷)

۲۶۵. گزینه‌ی «۴»

هدف اصلی در تحقیقات بنیادی، گسترش و افزایش دانش ما در پدیده‌ی مورد نظر و به‌طور خاص، رفتار است. در تحقیقات کاربردی، هدف استفاده‌ی عملی از یافته‌های روان‌شناسی در زندگی روزمره است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: لوب پس‌سری در ادراک اطلاعات بینایی نقش دارد.

گزینه‌ی «۲»: لوب گیجگاهی در شنوایی و پردازش‌های بینایی پیشرفته نقش دارد.

گزینه‌ی «۳»: «قشر مخ حسی بدن» در ناحیه‌ی «شکنج پس‌مرکزی» قرار دارد.

(فرایندهای شناختی، صفحه‌ی ۸۰)

۲۷۵. گزینه‌ی «۲»

رفتار نسبتاً مستقل از جمله خصوصیات «رشد هیجانی و اجتماعی» دوره‌ی کودکی اول است.

(فرایندهای شناختی، صفحه‌ی ۴۷)

۲۷۶. گزینه‌ی «۳»

یکی از اصول مهم در حافظه این است که یادگیری (رمزگردانی) ارادی از یادگیری غیرارادی (ضمنی) مؤثرتر است. در هنگام ثبت اطلاعات و یادگیری، هرچه اطلاع فرد یادگیرنده از جریان یادگیری و نحوه‌ی بازیابی اطلاعات بیش‌تر باشد، عملکرد حافظه بهتر خواهد بود. بدیهی است که هر قدر به میزان آگاهی و اطلاع فرد در جریان یادگیری افزوده شود، به همان اندازه به یادآوری مؤثرتر او کمک خواهیم کرد؛ در مقابل، هر اندازه از میزان هشیاری و آگاهی فرد در جریان یادگیری و رمزگردانی کاسته شود، عملکرد او با دشواری بیش‌تری توأم خواهد بود.

در فرض این سؤال، با ارائه‌ی تعدادی سؤال از صفحات معین به فرد یادگیرنده، در واقع بر میزان آگاهی و هشیاری او افزوده‌ایم (یادگیری ارادی) و به همان میزان نیز عملکرد حافظه بهتر خواهد بود.

(فرایندهای شناختی، صفحه‌ی ۹۰)

۲۷۷. گزینه‌ی «۱»

مطالعات گوناگون نشان داده‌اند که بازشناسی از یادآوری با کمک سرنخ، و یادآوری با کمک سرنخ از یادآوری آزاد آسان‌تر است و فرد عملکرد بهتری را در حافظه خواهد داشت.

(صفحه‌ی ۹۳)

۲۷۸. گزینه‌ی «۱»

اطلاعات چهار نوع حافظه‌ی تولوینگ، خصوصاً دو نوع «حافظه‌ی معنایی» و «حافظه‌ی حوادث خاص»، بایک‌دیگر در تعامل‌اند و از یک‌دیگر حمایت می‌کنند؛ چنان‌که اگر در هنگام یادآوری، سیستم‌های بیش‌تری از انواع حافظه درگیر شوند، بدیهی است که عملکرد بهتری را از فرد می‌توان انتظار داشت.

(فرایندهای شناختی، صفحه‌ی ۹۷)

۲۷۹. گزینه‌ی «۳»

باید توجه داشت که فشار روانی صرفاً یک امر بیرونی نیست و تا اندازه‌ای بستگی به نوع نگرش ما نسبت به خود، دیگران و محیط اطرافمان دارد. به

$$44 + xy - 44 + xy - 44 + xx - 44 + xx$$

(رشد، صفحه‌ی ۴۱)

۲۷۰. گزینه‌ی «۲»

در دوره‌ی طفولیت، «رشد طبیعی و تدریجی مغز»، امکان رشد مهارت‌های حرکتی، از بازتاب‌ها تا اعمال داوطلبانه‌ی کودک نظیر چنگ زدن و راه رفتن را به وجود می‌آورد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۳»: بازتاب‌ها و اعمال داوطلبانه‌ی کودک نظیر چنگ زدن و راه رفتن، از جمله مهارت‌های حرکتی است که در این دوره رشد می‌کند و علت آن، رشد طبیعی و تدریجی مغز است.

(رشد، صفحه‌ی ۴۳)

۲۷۱. گزینه‌ی «۴»

در دوره‌ی کودکی اول، با «رشد هیجانی و اجتماعی»، مفهوم خود به شکل مثبتی در کودکان شکل می‌گیرد و کودکان این کفایت و اطمینان را به دست می‌آورند که نسبتاً مستقل رفتار کنند.

(رشد، صفحه‌ی ۴۷)

۲۷۲. گزینه‌ی «۱»

در «استدلال قیاسی» که در دوره‌ی نوجوانی شکل می‌گیرد، نوجوان می‌تواند با یک قضیه و تئوری کلی شروع کرده و سپس استنباط منطقی از آن داشته باشد. در واقع نوجوان به دنبال اصول کلی می‌گردد و در نهایت، با «جمع‌آوری مدارک و شواهد اصلی» در مورد موضوع به نتیجه‌گیری می‌رسد.

(رشد، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۲۷۳. گزینه‌ی «۲»

مثال صورت سؤال، به‌خوبی روشن می‌سازد که ادراک چیزی فراتر از دریافت ساده‌ی اطلاعات حسی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: این‌که کدام سلول‌های عصبی درگیر می‌شوند و چه فراوانی معینی از تکرانه‌های عصبی وجود دارد، «معنا و تفسیر متفاوتی» را در ادراک اشیا به وجود می‌آورد.

گزینه‌ی «۳»: کدگذاری اطلاعات (مثلاً بینایی) در مغز به‌صورت عکس‌برداری از شکل اشیا نیست و «یک جنبه‌ی مهم از کدگذاری»، آن است که در پردازش اطلاعات، سلول‌های عصبی متفاوتی ممکن است درگیر شوند.

(فرایندهای شناختی، صفحه‌ی ۷۷)

۲۷۴. گزینه‌ی «۴»

طبق تصویر ۳-۳، کتاب درسی که نشانگر لوب‌های چهارگانه در قشر خاکستری مغز است، قشر مخ حرکتی اولیه در منطقه‌ی «شکنج پیش‌مرکزی» قرار دارد.

عبارت دیگر، به این بستگی دارد که آیا ما رویدادهای حادثه‌ای را فشار روانی تلقی می‌کنیم و آن را تهدیدی علیه خود می‌دانیم یا خیر.

(سلامت روانی و اختلال روانی، صفحه‌ی ۱۲۳)

۲۸۰. گزینه‌ی «۲»

یک نوع از «اختلال اضطرابی هراس (فوبیا)»، هراس اجتماعی است که فرد مبتلا، ترس شدید از مسخره شدن یا شرم‌نده شدن در وضعیت‌های اجتماعی دارد. مبتلایان به این هراس، می‌ترسند مرتکب خطا شوند، به همین دلیل، از صحبت کردن یا سخنرانی کردن در جمع یا از شرکت در مهمانی‌ها و اجتماعات خودداری می‌کنند و در انزوای اجتماعی به سر می‌برند که این امر منجر به بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی آنان در انجام کارها می‌شود.

(سلامت روانی و اختلال روانی، صفحه‌ی ۱۳۷)